

جمهوری اسلامی آینه تمام‌نمای امپراتوری دروغ بزرگ «هیتلری»!



نویسنده: بهرام رحمانی

جمهوری اسلامی آینه تمام‌نمای امپراتوری دروغ بزرگ «هیتلری»!



نویسنده: بهرام رحمانی

تاریخ انتشار: شهریور ۱۴۰۲ - سپتامبر ۲۰۲۳

فهرست مطالب

مقدمه

فاشیسم و دروغ بزرگ

نقل قول‌های مذهبی

روح‌الله خمینی و سیدعلی خامنه‌ای، بزرگ‌ترین دروغ گویان تاریخ ایران

فتواهای خمینی

دروغ‌های بزرگ خامنه‌ای

انفجار در حرم امام رضا در مشهد و کشتن کشیش‌ها

هاله نور محمود احمدی‌نژاد

«دروغ» دولت روحانی در مورد سانحه هواپیمای اوکراینی و...

دروغ‌های اقتصادی و اشتغالی حسن روحانی

فضای اعتراض‌ها همانند عملیات «کربلای ۴»

نقش «منافقین و داعش و الاحواز»

نیوزویک فتوشاپی با خبر کشته شدن ۲۷۰ آمریکایی

دروغ‌های ابراهیم رئیسی و وزیرایش

دروغ‌های وزیر اطلاعات دولت ابراهیم رئیسی

هدف جنبش «زن، زندگی، آزادی»، برهنگی زنان است!

روایت تکان‌دهنده زنان زندانی سیاسی از اجبار به برهنه شدن

اقرار احمد توکلی به دروغ‌گویی در جمهوری اسلامی

«دو سانی کردن آلت تناسلی مردان مسلمان ایرانی»

موخره

مقدمه

«دروغ بزرگ» نام یک «تکنیک» است که هیتلر از همان تکنیک برای پیش‌برد

اهدافش در تبلیغات سیاسی استفاده می‌کرد. از نظر هیتلر، این روش مستلزم

آن است که دروغ چنان عظیم باشد که هیچ‌کس باور نکند که «کسی آن‌قدر

گستاخ باشد که چنین بی‌شرمانه حقیقت را تحریف کند.»

جمهوری اسلامی در تمام حاکمیت ۴۴ ساله خود از دوران خمینی تا به امروز

از تکنیک «دروغ گوبلزی» یا همان دروغ بزرگ «هیتلری» استفاده کرده و با

همین دروغ‌ها، البته با سانسور و سرکوب، شکنجه و اعدام، وحشت و ترور،

جنگ و خونریزی و غارت اموال عمومی مردم، حاکمیت سیاه و خونین خود را

سرپا نگه داشته است.

یکی دیگر از ویژگی‌های علنی و نمایش قدرت دیکتاتورها، رایج بودن چاپلوسی و تزویر و ریا، به‌ویژه صحنه‌های چندش‌آور و تهوع‌آور «دست‌بوسی» بالا دستان در حاکمیت آن‌هاست.

همه مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی و در راس همه خامنه‌ای و پیش از آن خمینی، برای بقای خود، همواره یک مشت دروغ تحویل جامعه ایران و جهان داده‌اند. دروغ مقامات این حکومت به حدی بزرگ است که حقیقتا روی هیتلر و گوبلز را سفید کرده‌اند.

جمهوری اسلامی هفتدها قبل از سالروز جان‌باختن مهسا (ژینا) امینی، سراسر ایران به ویژه کردستان به شدت میل‌تاریزه کرده بود و هرگونه حرکتی را زیر نظر داشتند. در هفته‌های اخیر، در شهرهای مختلف ایران صدها تن را به بهانه مختلف دستگیر و زندانی کردند. در سقز نیز اطراف منزل خانواده مهسا، توسط ماموران ضدشورش و امنیتی در محاصره بود و گردان‌های مختلف نظامی و انتظامی، سپاه و بسیج و امنیتی جمهوری اسلامی، تمام راه‌های اصلی و فرعی منتهی به آرامستان «آیچی» را مسدود کرده بودند.

در همین زمینه خبرگزاری تسنیم وابسته به نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی، به نقل از امام‌الله گشتاسبی، فرمانده سپاه بیت‌المقدس استان کردستان، نوشته است: «پدر مهسا امینی صبح امروز برای رفتن به سر قبر دخترش از خانه بیرون آمده بود که پس از هماهنگی در مسیر، نیروهای امنیتی او را به محل رسانده بودند و هیچ بازداشتی صورت نگرفته است.»

در حالی که بنا به گزارشات، آقای امینی و خانواده‌اش به شدت تحت فشار قرار گرفته تا از برگزاری مراسم سالگرد باختن دخترشان صرف‌نظر کنند و اطلاعاتی اخیر در خصوص برگزاری مراسم را تکذیب نمایند.

بازجویان اداره اطلاعات سقز، آقای امینی را تهدید کرده بودند که در صورت هرگونه «فعالیت، مصاحبه و سخنی» از سوی او و خانواده‌اش در خصوص سالگرد، «فرزند دیگرش اشکان بازداشت خواهد شد.» حتی در شبکه‌های اجتماعی نیز تصاویری از بازکردن آب سد چراغ در مسیر منتهی به آرامستان آیچی منتشر شده و به این ترتیب، مسیرهای فرعی به این آرامستان هم با ورود آب قابل رفت‌وآمد نبود. همچنین در شبکه‌های اجتماعی، تصاویر و فیلم‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهند نیروهای امنیتی در اطراف خانه

خانواده امینی و نیز استقرار ادوات سنگین نظامی، از جمله خودروهای زرهی در تپه مشرف به محل دفن مهسا(ژینا) امینی در گورستان آیچی سقز است. در چنین وضعیتی، استاندار کردستان و در سالروز کشته شدن مهسا(ژینا) امینی، مدعی شد که «طرح ترور پدر مهسا در سقز خنثی شده و چند نفر نیز در این ارتباط دستگیر شدند.»

اگر این ادعا صحت داشته باشد، برای ایجاد هرچه سانسور و خفقان حکومت در سراسر ایران، این احتمال منتفی نیست که برخی اعضای خانواده‌های جان‌باختگان و دستگیرشدگان اعتراضات سال گذشته، ترور شوند و خبر آن را وسیعاً در رسانه‌های حکومتی به‌عنوان ترورهای «اپوزیسیون» و «عوامل خارجی» پوشش دهند.

روز یکشنبه بیست و ششم شهریور ۱۴۰۲، اسماعیل حطیب، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در یک برنامه تلویزیونی بار دیگر ایرانیان خارج کشور و رسانه‌های فارسی‌زبان را تهدید کرد که در امان نخواهند بود.»

واقعیت آن است که جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی آن در سناریوسازی سیاه علیه مخالفین خود و ترور آن‌ها، بسیار حرفه‌ای عمل می‌کند چرا که

تجربه ۴۴ سال وحشت و ترور را در کارنامه سیاه و وحشیانه خود دارد. از

جمله ترورهای سال موسوم به «قتل‌های زنجیره‌ای».

«قتل‌های زنجیره‌ای»، به ترور برخی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی

منتقد و مخالف جمهوری اسلامی در دهه هفتاد خورشیدی، در داخل و خارج

ایران، گفته می‌شود که به گفته برخی از منابع، با فتوای برخی از روحانیون

بلندپایه و به‌دست پرسنل وزارت اطلاعات در زمان وزارت «علی فلاحیان»

وزیر اطلاعات دوران ریاست جمهوری رفسنجانی و «قربانعلی دری

نجف‌آبادی»، اولین وزیر اطلاعات در دولت محمد خاتمی، انجام شد.

ترورهایی که از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷ ادامه داشتند.

ابتدا خامنه‌ای این ترورها را به دشمنان اسلام و حکومت اسلامی انداخت اما

پس از مدتی، حکومت مجبور شد آن‌ها را به‌عهده بگیرد. سرانجام وزارت

اطلاعات، طی اطلاعیه‌ای، عوامل قتل‌ها را شماری از پرسنل وزارت اطلاعات

یعنی همکاران کج‌اندیش و خودسر- که آلت دست عوامل پنهان و مطامع

بیگانگان شده‌اند- نامید. محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت، تیمی خارج از

وزارت اطلاعات را مسئول رسیدگی به پرونده کرد. این تیم پس از یک ماه

تحقیق، دست داشتن مقامات بلند پایه وزارت اطلاعات در قتل‌ها را اعلام و عوامل را دستگیر کرد. دری نجف‌آبادی وزیر وقت اطلاعات، بدون توضیحی شفاف برکنار و علی یونسی جایگزین وی شد.

البته هنرهای وزارت اطلاعات و سایر نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به همین ماجرا ختم نمی‌شود و ۴۴ سال است که آن‌ها این هنرنمایی‌های جنایت‌کارانه خود را در داخل و خارج کشور در مقابل جوامع بشری قرار داده‌اند.

اکنون نیز بعید نیست که تیم‌های ترور در خود جمهوری اسلامی دست به این نوع اقدامات برای ترساندن خانواده‌ها و مخالفین بزنند و سپس آن را به گردن دشمنان «خارجی» بیاندازند.

در دوران عصر طلایی «امام راحل»، انقلاب آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه مردم را از مسیر واقعی خود منحرف کرد به طوری که نه تنها از درد و رنج مردم نکاست بلکه کاملاً برعکس، مشکلات و معضلات و دردهاها و آلام آن‌ها را نسبت به سابق چندین برابر شد.

خمینی هیولایی بود که صبح تا شب خون می خورد و وحشی تر و درنده تر می شد. او حتی روی تمام دیکتاتورهای قبل از خود، یعنی هیتلر، موسولینی، پولپوت، صدام حسن و سرهنگ قذافی، رضا خان و محمدرضا شاه را سفیدتر کرد و از نظر آدم کشی، آزادکشی، بچه کشی و زن ستیز در مقام بالاتر از آن ها قرار گرفت و جانشین اش خامنه ای نیز همین راه خونین و هیولایی او را علیه مردم ایران و منطقه تا به امروز ادامه داده است.

از دیر زمانی دستگاه روحانیت در خطابه ها و رساله ها و سایر کتب دینی، همواره به مردم تذکر می دهند که دروغگو دشمن خداست و به همین دلیل، دروغ نگویند. البته خود بود و نبود خدا هم زیر سؤال است اما دست کم کسانی که به خدا باور دارند اصولا نباید دروغ بگویند. اما واقعیت ها غیر از این ادعا را نشان داده است. به خصوص در جامعه ما، و در ۴۴ سال اخیر که دستگاه روحانیت به مقام حاکمیت هم ارتقا یافته روزی نیست که مقامات این حکومت، یک مشت دروغ تحویل مردم ندهند.

اساسا دستگاه عریض و طویل روحانیت از دوران حاکمیت صفوی ها تا به امروز هم از حمایت دولتی و هم مردمی برخوردار بوده اند و روزگار انگل واری

سپری کرده‌اند. البته شاید تعداد انگشت‌شماری آخوند هم وجود داشته باشد که در میان راه، مسیر خود را تغییر داده و از دستگاه مفت‌خور و مخوف دستگاه روحانیت و دروغ‌گویی و شیادی جدا شده‌اند و مسیر انسانی و درستی را برای زندگی با دست‌رنج خود در پیش گرفته‌اند.

در یک کلام جمهوری اسلامی، یعنی حکومت مافیایی، غارتگر، شکنجه و اعدام، ترور و وحشت، جنگ و خونریزی، فقر و فلاکت!

این مطلب به گوشه‌هایی از انبوه دروغ‌گویی‌های رهبران و سایر مقامات جمهوری اسلامی از جمله امام جمعه‌ها و روسای جمهور، اختصاص دارد.



فاشیسم و دروغ بزرگ

همان طور که در مقدمه نیز اشاره شد دروغ بزرگ نام یک تکنیک تبلیغاتی است که برای اولین بار توسط آدولف هیتلر در کتاب «نبرد من» آورده شد. هیتلر درباره این تکنیک می‌گوید:

«توده‌های بزرگ مردم راحت‌تر قربانی یک دروغ بزرگ می‌شوند تا یک دروغ کوچک.»

به نظر می‌رسد رهبر و همه مقامات ریز و درشت سیاسی، نظامی و قضایی جمهوری اسلامی، به دقت ریاضی این تکنیک هیتلری را یاد گرفته‌اند. چرا امورات‌شان بدون دروغ نمی‌گذرد.

«دروغ بزرگ» نام یک تکنیک است که هیتلر سعی کرد از این تکنیک برای پیش‌برد اهدافش در تبلیغات سیاسی استفاده کند. این کار را به وزیرش وگذار کرد. گوبلز به‌خوبی از پس کار برآمد. گوبلز آن‌قدر دروغ‌های بزرگ گفت که از آن به بعد، تکنیک دروغ بزرگ به «دروغ گوبلزی» در پروپاگاندا یا همان تبلیغات سیاسی معروف شد.

هیتلر در کتاب نبرد من گفته است؛ «مردم شکست آلمان در جنگ جهانی اول را به این دلیل پذیرفتند که یهودی‌های دارای نفوذ در مطبوعات از تکنیک دروغ بزرگ استفاده کردند.

از نظر هیتلر این روش یک پیش‌شرط ضروری دارد آن هم این که دروغ چنان باید بزرگ باشد تا هیچ‌کس باور نکند که کسی ممکن است آن قدر گستاخ باشد که چنین بی‌شرمانه حقیقت را تحریف کند.

هیتلر معتقد بود که «در دروغ بزرگ، همواره نیروی قابل باور بودن موجود است.»

در متون مختلف جمله‌ای از پاول جوزف گوبلز (مسئول تبلیغات دولت نازی) درباره دروغ بزرگ آورده شده است:

«اگر دروغی که می‌گویید به اندازه کافی بزرگ باشد و آن را تکرار کنید، مردم در نهایت باور خواهند کرد. این دروغ تا زمانی حفظ می‌شود که دولت بتواند مردم را در برابر پیامدهای سیاسی، اقتصادی یا نظامی دروغ حفظ کند. بنابراین برای دولت بسیار مهم است که از تمام قدرت خود برای سرکوب

مخالفانش استفاده کند چون حقیقت، دشمن جدی دروغ است و در نتیجه می‌شود گفت: حقیقت بزرگ‌ترین دشمن دولت است.»

در سال ۱۹۴۵، بعد از به پایان رسیدن جنگ جهانی دوم، یک فیلسوف و تاریخدان فرانسوی به نام «الکساندر کویره» این‌طور گفت: «در تاریخ هیچ وقت به اندازه روزگار ما دروغ گفته نشده‌است. دروغ هرگز آن قدر بی‌شرمانه، سیستماتیک و بی‌وقفه نبوده‌است.

ژوزف گوبلز در خانواده‌ای متوسط از اهالی «راین‌لند» در آلمان، در سال ۱۸۹۷، متولد شد. در نوجوانی، زانویش آسیب دید و تلاش پزشکان برای جراحی و ترمیم آن با شکست روبه‌رو شد. به همین دلیل ژوزف، تا پایان عمر می‌لنگید. گوبلز در سال ۱۹۲۴، رسماً به عضویت حزب نازی درآمد؛ حزبی که با تکیه بر دیدگاه‌های افراطی ناسیونال فاشیستی، در صدد بود با استفاده از فضای ناشی از جریحه‌دار شدن غرور ملی آلمانی‌ها در جنگ جهانی اول، به قدرت دست پیدا کند. ماشین تبلیغاتی هیتلر، زیر نظر گوبلز، با استفاده از آخرین شیوه‌های تبلیغاتی، حتی در آخرین روزهای جنگ هم، به آلمانی‌ها تلقین می‌کرد که پیروزی از آن نازی‌هاست. در سایه همین تبلیغات بود که

بسیاری از اقدامات جنایت‌بار ارتش نازی‌ها، به صورت فتحی بزرگ برای مردم آلمان تصویر می‌شد و باورهای هیتلر را در ذهن آن‌ها نهادینه می‌کرد. گوبلز، معتقد بود که دروغ، هر چه بزرگ‌تر باشد، باورش برای مخاطبان راحت‌تر است! این تکنیک که با اصطلاح «دروغ بزرگ» یا «دروغ گوبلزی» شهرت یافته است، به طور سیستماتیک مورد استفاده نازی‌ها قرار گرفت و نازی‌ها آن را، برگرفته از روش‌های سرمایه‌داران یهودی آلمانی، پیش از آغاز جنگ جهانی اول می‌دانستند. گوبلز که از سال ۱۹۳۳، مسئولیت وزارت تبلیغات سیاسی هیتلر را برعهده داشت، تا واپسین روز زندگی خود این مسئولیت را حفظ کرد و هیچ‌گاه مورد سوءظن وی قرار نگرفت.

گوبلز در شناخت ابزارهای تبلیغاتی نیز، توانمند بود. او از «رنی ریفتشتال»، فیلم‌ساز مشهور آلمانی خواست تا فیلمی را در راستای سیاست‌های تبلیغی آلمان نازی بسازد و «پیروزی اراده» که برخی آن را نخستین فیلم تبلیغاتی – سیاسی دنیای سینما می‌دانند، با سفارش گوبلز ساخته شد و به نمایش درآمد. گوبلز با وجود مشغله فراوان در وزارت تبلیغات، از سال ۱۹۴۰ و هم‌زمان با اوج گرفتن پیروزی‌های آلمان، اداره مجله «رایش» را شخصا برعهده گرفت

و به نگارش مقالات متعدد در آن، مبادرت کرد. سرمقاله‌های گوبلز در این مجله، یکی از برجسته‌ترین الگوهای پروپاگاندا در تاریخ محسوب می‌شود. حاصل ازدواج گوبلز با «ماگدا»، شش فرزند بود. دیدگاه‌های «ماگدا» نیز، مانند شوهرش، منطبق با دیدگاه‌های نژادپرستانه و راسیستی آدولف هیتلر بود و بر همین اساس، برخی از تاریخ نگاران، «ماگدا» را بانوی اول نازی‌ها می‌دانند. شکست‌های پی‌درپی ارتش آلمان در سال‌های ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۵، به ویژه شکست سنگین آن‌ها در شوروی، شرایط را برای هیتلر و اطرافیانش، هر لحظه سخت‌تر می‌کرد. با نزدیک شدن نیروهای شوروی به برلین، وحشت گرفتار شدن به دست کمونیست‌ها، یک لحظه از فکر هیتلر و گوبلز خارج نمی‌شد. شرایط به وجود آمده، در نهایت هیتلر را به این نتیجه رساند که باید به زندگی خود خاتمه دهد؛ این تصمیم، تصمیم گوبلز و همسرش نیز بود. اما گوبلز ۴۸ ساله و همسر ۴۳ ساله‌اش برای اجرای این نقشه، با مشکلی جدی روبه‌رو بودند؛ باید با شش فرزند خود چه می‌کردند؟ تصمیم وحشتناکی که این زن و شوهر گرفتند، عبارت بود از پایان دادن به حیات شش فرزندشان! آن‌ها فرزندانشان را بیهوش کردند و سپس، به آن‌ها سم سیانور خوراندند؛

آن گاه گوبلز، به سربازان تحت امرشان دستور داد که به طرف او و همسرش شلیک کنند و آن دو را به قتل برسانند. این اتفاق، ساعاتی پس از خودکشی هیتلر، در روز اول ماه مه سال ۱۰۴۵ روی داد. هنگامی که نیروهای شوروی به محل زندگی گوبلز هجوم آوردند، با پیکر غرق در خون و سر متلاشی شده گوبلز و همسرش روبه‌رو شدند. به هر حال، جنون جاه‌طلبی ژوزف گوبلز و همسرش، سرانجام با مرگ وحشتناک و جنایت‌بار فرزندانش به دست خود او، پایان یافت.

آن زمان که هیتلر و فاشیست‌هایش از تکنیک دروغ بزرگ برای تحقق اهداف خودشان استفاده می‌کردند نه خبری از فضای مجازی بود، نه شبکه‌های اطلاع‌رسانی که زحمت پخش دروغ‌ها را برایشان بکشد، اما حالا این روزها رسانه‌های جمهوری اسلامی، روزانه سخنان دروغ‌خامنه‌ای، رییس‌جمهور و وزراء، مقامات قوه قضاییه و مجلس، امام جمعه‌ها و سایر مقامات سیاسی، قضایی و نظامی جمهوری اسلامی را پخش می‌کنند و کارشان برای استفاده از تکنیک «دروغ بزرگ» راحت‌تر شده است.

در این میان، مردم ممکن است در طول روز دروغ‌های کوچک بسیاری بگویند اما از گفتن دروغ‌های بزرگ خجالت می‌کشند. تازه شاید ضرری هم به کسی نمی‌رسانند.

نقل قول‌های مذهبی

مبلغین و مروجین مذهبی مدعی‌اند خداوند در قرآن، دروغ را دلیل اصلی تمام گناهان و زشتی‌ها خوانده است.

امام حسن عسکری گفته است: «تمام پلیدی‌ها در اتاقی قفل شده است و کلید آن دروغ است.»

سوره غافر آیه ۲۸:

...إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ:

«خداوند کسی را که اسراف‌کار و بسیار دروغ‌گو است هدایت نمی‌کند.»

از علی، امام اول شیعیان نقل شده است:

«سزاوار است که مسلمانان از دوستی و برادری با دروغگو اجتناب کنند؛ زیرا

او آن قدر دروغ می‌گوید که راستش را هم باور نمی‌کنند.»

«دروغ انسان را به سوی بدی‌ها هدایت می‌کند و بدی‌ها نیز به سوی آتش

جهنم.»

محمد پیامبر مسلمانان:

«آیا شما را از بزرگ‌ترین گناهان خبر ندهم؟ بزرگ‌ترین گناه شرک به خدا و

بد رفتاری نسبت به پدر و مادر و دروغ گفتن است.»

اما باقر:

«دروغ ویران‌کننده ایمان است.»

فرض کنیم اگر این نقل و قول‌های مبلغین مذهبی، واقعیت دارد پس اصولاً باید همه سران و مقامات جمهوری اسلامی و حکومت‌ها و سازمان‌های شبیه آن‌ها مانند حکومت ترکیه، افغانستان، عراق، یمن، عربستان و سازمان‌هایی هم‌چون القاعده، اخوان المسلمین، داعش، بوکوحرام و... دشمن درجه خدا و قرآن و پیامبران و امامان محسوب شوند چرا که کسب و کارشان با دروغ می‌گذرد و همواره به چشمان مسلمانان و طرفداران‌شان خاک می‌پاشند.

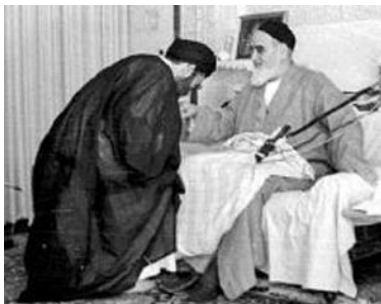
شکی نیست که دروغ گفتن عملی است زشت و ناپسند است که باید از آن پرهیز کرد. حال چه دروغ مصلحتی باشد و چه غیرمصلحتی. در واقع مفهومی به نام دروغ مصلحتی نداریم. سخن یا راست است یا دروغ. مفهوم و معنی ضرب‌المثل دروغگو دشمن خداست نیز اشاره به کبیره بودن گناه دروغ دارد و ربطی به خدا و دین و اسلام ندارد.

دروغ گفتن یکی از بزرگ‌ترین گناهان و در اصطلاح آفت زبان است. کلامی که می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری در زندگی شخص دروغگو و اطرافیانش گذارد.

دروغ باعث از بین رفتن اعتماد و اطمینان بین طرفین می‌شود و زمانی که اعتماد و اطمینان وجود نداشته باشد، پایه روابط سست خواهد شد و این سستی در جامعه تاثیرگذار خواهد بود. دروغ می‌تواند دوستی‌ها را برهم زده و فرد دروغ‌گو را تنها و منزوی سازد.

اما مسلم است که هیچ انسانی فطرتاً دروغ‌گو نیست. او دروغ‌گویی را از محیط خود، یعنی خانواده، مدرسه و به‌طور کلی اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، یاد می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان ابتدا این عمل را از والدین و

اطرافیان خود که با آنها زندگی می‌کنند و سپس از دوستان و دیگر افراد اجتماع که با آنها برخورد دارند، یاد می‌گیرند.



روح‌الله خمینی و سیدعلی خامنه‌ای، بزرگ‌ترین دروغ‌گویان تاریخ ایران در ایران، وقتی خمینی در راس حکومت ولایت فقیه در سال ۱۳۵۷ و پس از انقلاب ضدسلطنتی به قدرت رسید، حکومت خود را بر پایه حذف مخالفان سیاسی بنا نهاد. دروغ یکی از اهرم‌هایی بود که برای این تسویه حساب و

حذف توسط خمینی به کار گرفته شد. بعدها دروغ برای حفظ نظام بارها و بارها به کار گرفته شد.

خمینی در ۲۷ مرداد سال ۶۰ در سخنرانی خود در جمع فرماندهان سپاه و ... در حسینیه جماران به صراحت اعلام کرد: «برای حفظ اسلام و برای حفظ نفوس مسلمین واجب است، دروغ گفتن هم واجب است، شراب خمر هم واجب است ... وقتی که اسلام در خطر است، ... واجب است بر شما، دروغ بگویید، واجب است بر شما.»

یکی از دروغ‌های بزرگ خمینی و جمهوری اسلامی مربوط به رابطه‌اش با آمریکا و اسرائیل است. جمهوری اسلامی، همواره فریاد آمریکاستیزی و دشمنی با آمریکا سر داده است. اسرائیل هم در فریادکشان نیروهای بدنه نظام در کنار آمریکا همواره شعار «مرگ» دریافت کرده است.

در حالی که مجله عربی الشراع در شماره دوم نوامبر ۱۹۸۶ برابر با ۱۱ آبان ۱۳۶۵ مذاکره‌ای را افشاء کرد. ماجرای مک فارلین؛ مشاور امنیت ملی آمریکا و سفرش به تهران و فروش سلاح به نظام، توسط آمریکا و اسرائیل.

به گفته سفیر آمریکا در تل‌آویو در گزارشی به وزارت امور خارجه آمریکا، در مدت جنگ ایران و عراق، اسرائیل بارها از ایران درخواست‌هایی برای خرید اسلحه دریافت کرد.

برخی منابع میزان فروش تسلیحاتی اسرائیل به نظام را تا ۲/۵ میلیارد دلار اعلام کرده‌اند.

روح‌الله خمینی، بینان‌گذار و اولین رهبر حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی، بارها مدعی شده بود که وجود اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، جلوی استبداد را می‌گیرد. «اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد.»

واقعیت‌های جامعه ایران و بررسی‌های مختلف، نشان می‌دهند که بر خلاف نظر آیت‌الله خمینی، تجربه ۴۴ سال حکومت «ولی فقیه» در ایران، ولایت فقیه برای بقای جایگاه خود در حاکمیت، به جز سرکوب و کشتار و دیکتاتوری حاصل دیگری برای جامعه نداشته است. در این بیش از چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، هیچ نقطه مثبتی که به نفع زنان، کارگران، روشنفکران، بازنشستگان، کودکان و عموم شهروندان باشد وجود ندارد و هر چی هم

هست تلاشی برای ساختن و نهادینه کردن «بهشتی» در ایران برای سران و مقامات حکومتی و اطرافیان آن‌هاست!

روح‌الله خمینی، روز هفتم دی ۱۳۵۸ در دیدار با «حامد الگار» که متفکر مسلمان آمریکایی معرفی شده بود، ادعا کرده است: «اصل ولایت فقیه جلوی استبداد را در این کشور می‌گیرد.» او گفت: «استبداد را ما می‌خواهیم جلویش را بگیریم. با همین ماده‌ای که در قانون اساسی است که ولایت فقیه را درست کرده، این استبداد را جلویش را می‌گیرند. آن‌هایی که مخالف با اساس بودند، می‌گفتند که این استبداد می‌آورد. استبداد چی می‌آورد. استبداد با آن چیزی که قانون تعیین کرده، نمی‌آورد. بلی ممکن است که بعدها یک مستبدی بیاید. شما هر کاری‌اش بکنید، مستبدی که سرکش است بیاید، هر کاری می‌کند. اما فقیه مستبد نمی‌شود. فقیه‌ی که این اوصاف را دارد، عادل است؛ ... بهترین اصل در اصول قانون اساسی، این اصل ولایت فقیه است.»

آیت‌الله خمینی روز ۳۰ مهر ۱۳۵۸ نیز در جمع عشایر، گفته بود: «شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی‌خواهد به مردم زورگویی کند. اگر یک فقیه‌ی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد.»

آیت‌الله خامنه‌ای جانشین خمینی نیز در این بیش از دهه قدرت‌نمایی، نشان داده است که دیکتاتور دروغ‌گویی بیش نیست.

در حالی که یکی از ویژگی‌های رهبران دیکتاتور، مادام‌العمر و غیرانتخابی بودن است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، هیچ قیدی مبنی بر محدودیت زمانی دوره رهبری نیامده است. مجلس خبرگان به‌عنوان نهادی که حق نصب و عزل رهبری را دارد، هر زمان ولایت رهبری را ساقط شده بداند، طبق قانون می‌تواند رهبر را عزل کند ولی هیچ محدودیت زمانی در قانون پیش‌بینی نشده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم رهبری جمهوری اسلامی، غیرپاسخ‌گو بودن اوست. یعنی ولایت فقیه در ایران به‌عنوان مقامی که بالاترین مسئولیت و اختیار مطلق را دارد، تاکنون در برابر هیچ یک از رویدادها و جنایات رخ داده پاسخ‌گو بوده است. با این وجود، هیچ مقامی و نهادی حق پرسش‌گری از رهبری را ندارد.

در طول دهه‌ها رهبری خامنه‌ای، حتی یک مصاحبه چالشی و یا تبلیغاتی از او با حضور خبرنگاران ثبت و منتشر نشده است.

چرا که رهبران جمهوری اسلامی یک «تقدس» مذهبی دارند. آیت‌الله خمینی در وصف ولی فقیه، گفته است: «قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول‌الله هست.»

در مقدمه قانون اساسی نیز ولی فقیه همان ولایت امر و در استمرار امامت تعریف شده است. وقتی مقام ولایت فقیه، مقدس و هم‌شان پیامبر و امام و برگزیده خداوند می‌شود، یعنی حق مردم تنها اطاعت است و مخالفت و انتقاد از رهبر به مخالفت و انتقاد از پیامبر و امام تعبیر می‌شود و به هیچ عنوان روا پنداشته نمی‌شود.

خمینی در کنار وعده‌های دروغین در سخنرانی‌هایش به مردم، نخستین فتوای خود، از زنان خواست که حجاب اسلامی را رعایت کنند و دومین فتوایش حمله همه‌جانبه به مردم حق طلب کرد در کردستان بود.

وعده‌های خمینی: از آب و برق مجانی تا خانه‌سازی برای مستضعفان، از حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی تا کاهش بودجه‌های نظامی؛ اکنون ۴۴ سال از انقلاب ۱۳۵۷ گذشته است اما نه تنها هیچ‌کدام از وعده‌هایی که «روح‌الله

خمینی»، بنیان‌گذار و رهبر انقلاب در سخنرانی‌هایش مطرح کرده بود عملی نشده‌اند بلکه در بسیاری موارد جمهوری اسلامی، کاملاً بر عکس آن‌ها عمل کرده است.

خمینی چند روز پس از ورودش به ایران، در شانزدهم بهمن ۱۳۵۷، حکومت «پهلوی» را «رژیم سرنیزه» و «دیکتاتور» معرفی کرد و آن را «غیر قانونی» خواند: «رژیم سلطنتی پهلوی یک رژیم متکی بر سرنیزه بوده است و قانونی نبوده است. وقتی رژیم قانونی نشد، مجالسی که بعدها هم تهیه کردند، ملی نبوده است. قانونی نبوده است. تمام این مسایل به ما می‌فهماند که الان نه دولت قانونی است، نه مجلس قانونی است؛ نه این مجلس و نه آن مجلس.» این در حالی است که اعتراضات مردمی در ۴۴ سال گذشته توسط جمهوری اسلامی همواره سرکوب شده‌اند. بنا به گزارش رسانه‌های فارسی‌زبان و نهادهای بین‌المللی، تنها در اعتراضات مردمی ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، هزاران نفر در این اعتراضات کشته شده و یا زخمی و معلول و یا این که اعدام شده‌اند. همچنین ده‌ها هزار نفر دستگیری و زندانی شده‌اند.

دهم اسفند ۱۳۵۷، روح‌الله خمینی در یک سخنران خود، پیروزی انقلاب را نتیجه مبارزات مردم دانست و وعده ساخت خانه برای مستضعفان را داد: «در سرتاسر ایران برای ضعفا مسکن می‌سازیم. همین دارایی شاه سابق و خواهر و برادرش برای یک مملکت، برای آباد کردن یک مملکت کافی است. ما عمل می‌کنیم، حرف نمی‌زنیم. تمام کمیته‌هایی که در تمام اطراف ایران هست، موظفند که آن چه به دست آمد از مخازن ایران، هر چه که این‌ها بردند و مخفی کردند و اتباع آن‌ها بردند و مخفی کردند، آن‌ها را که به دست آمده است، به بانکی که شماره‌اش را بعد تعیین می‌کنند، تحویل بدهند که برای کارگراها، برای مستضعفین، برای بینوایان هم خانه بسازند، هم زندگی آن‌ها را مرفه کنند.»

او در همین سخنرانی وعده آب و برق و اتوبوس مجانی داد: «دل خوش نباشید که مسکن فقط می‌سازیم، آب و برق را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند. اتوبوس را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند. دل خوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را، روحیات شما را عظمت می‌دهیم. شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم.»

او در بخش دیگری از این سخنرانی‌اش، از اسلامی کردن بانک‌ها و کم کردن «ربا» در بانک‌داری حرف زد: «ما پس از این، راجع به بانک‌ها هم طرح‌هایی داریم که از این وضع رقت‌بار برگردد. از این وضع استعماری برگردد. باید تمام این کاخ‌های وزارت‌خانه را، وزارت‌خانه‌ها را که میلیون‌ها، میلیارد‌ها مال ملت در آن صرف شده است، باید این‌ها تبدیل بشود به یک چیز معتدل اسلامی. بانک‌ها به تدریج باید تعدیل بشود و ربا به کلی قطع بشود.»

برابری و مبارزه با تبعیض اقلیت‌های مذهبی و ملی یکی دیگر از وعده‌های خمینی بود که در سخنرانی‌های مختلف تکرار می‌کرد. او روز نهم فروردین ۱۳۵۸ در سخنرانی دیگری، به حقوق اقلیت‌های مذهبی اشاره کرده بود: «همه اقشار ملت با ملت شریک هستند در حقوق. و حقوق همه به آن‌ها داده خواهد شد. اقلیت‌های مذهبی در اسلام احترام دارند، حقوق دارند. حقوق آن‌ها داده خواهد شد. در عمل به مذهب - به مذهب خودشان، در رای دادن برای وکلای خودشان آزادند. همه اقشار آزاد هستند. و این معنا که بین شماها پخش می‌کنند که روحانیون می‌خواهند حق شما را نگذارند به شما برسد،

بدانید که این خیانتی است که این‌ها می‌کنند به ملت ما. روحانیون در رأس آن‌ها هستند که حقوق را، حقوق شماها را محترم می‌شمارند.»

او در همان سخنرانی درباره حقوق زنان نیز حرف زده بود: «اسلام به زن‌ها بیش‌تر عنایت کرده است تا به مردها. اسلام زن‌ها را بیش‌تر حقوق‌شان را ملاحظه کرده است تا مردها. این هم آن معنا که بعد از این چه خواهد شد: زن‌ها حق رای دارند- از غرب بالاتر است این مسایلی که برای زن‌ها ما قائل هستیم- حق رای دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند. همه این‌ها هست. تمام معاملات‌شان به اختیار خودشان است و آزاد هستند. اختیار شغل را آزاد هستند.»

خمینی دهم فروردین ۱۳۵۸ در یک سخنرانی، وعده داد که جمهوری اسلامی سرنوشت آزاد و استقلال را برای مردم به ارمغان می‌آورد: «جمهوری اسلامی برای ما سرنوشت آزاد و خوش‌بختی و استقلال هدیه می‌آورد؛ و دشمنان اسلام می‌خواهند اخلاص در امر کنند و ملت ما باید پافشاری کند و رای خودشان را به جمهوری اسلامی بدهند.»

او روز یازدهم اردیبهشت همان سال در دفاع از حقوق کارگران گفت: «اسلام برای شما حقوق قائل هست؛ حق همه را خواهد داد. برای همه زن‌ها و مردهای کارگر، برای همه زن‌ها و مردان دهقان حق قایل است اسلام و آن‌ها را عزیز می‌شمارد و حق آن‌ها را به آن‌ها رد خواهد کرد. شما بگذارید که اسلام تحقق پیدا بکند، جمهوری اسلام با احکام نورانی اسلام تحقق پیدا بکند.»

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران سه روز بعد از این، در سبک سخنرانی دیگری، اسلام را دین با منطقی معرفی کرد که ترور را قبول ندارد: «اگر منطق داشتید که صحبت می‌کردید؛ مباحثه می‌کردید. لکن منطق ندارید. منطق شما ترور است! منطق اسلام ترور را باطل می‌داند. اسلام منطق دارد.»

او در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ گفت: «اسلام آن قدر به رفاه مردم، آسایش مردم و این طور توجه دارد و هیچ در این جهت فرقی ما بین قشر با قشر دیگر نمی‌گذارد و نگذاشته است.»

او ۱۲ روز بعد به سازمان‌های منتقد جمهوری اسلامی هشدار داد و اعلام کرد جمهوری اسلامی فقط یک حزب دارد؛ حزب مستضعفان: «اگر ما از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، به طور انقلابی

عمل کرده بودیم، قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم، و روسای آن‌ها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب‌های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم، و روسای آن‌ها را به سزای خودشان رسانده بودیم، و چوبه‌های دار را در میدان‌های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم، این زحمت‌ها پیش نمی‌آمد. اگر ما انقلابی بودیم، اجازه نمی‌دادیم این‌ها اظهار وجود کنند. تمام احزاب را ممنوع اعلام می‌کردیم. تمام جبهه‌ها را ممنوع اعلام می‌کردیم. یک حزب و آن «حزب‌الله»؛ حزب مستضعفین.»

۲۷ مرداد ۱۳۵۸، در یک سخنرانی، روشن‌فکران را تهدید کرد: «البته حتی‌الامکان حالا هم ما دل‌مان می‌خواهد که کسانی که قلم دارند، کسانی که عرض می‌کنم که به خیال خودشان روشن‌فکر هستند، کسانی که جبهه‌ها تشکیل دادند، آن‌ها باز ما میل داریم که با ملایمت با آن‌ها رفتار کنیم. لکن باید دست از کار خودشان بردارند.»

او در روز سوم دی ماه ۱۳۵۹ سیاست را حق روحانیون دانست و گفت: «باید عرض کنم که سیاست برای روحانیون و برای انبیا و برای اولیای خدا حقی

است، لکن سیاستی که آن‌ها دارند، دامنه‌اش با سیاستی که این‌ها دارند، فرق دارد... دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیا است و به تبع آن‌ها، به علمای بیدار اسلام.»

ماجرای دیده شدن تصویر خمینی بر روی ماه نیز یکی از مهم‌ترین دروغ‌هاست که در حافظه تاریخی ایرانیان ثبت شده‌است. درباره شایعه تصویر خمینی بر ماه، مسئولان حکومتی هیچ‌گاه پیرامون منش آن اظهار نظر نکرده‌اند، و در سال‌های بعد، معجزه‌هایی مانند رویت امام امام زمان در جبهه تحت عنوان «امدادهای غیبی» به‌طور رسمی نیز تایید می‌شد.



فتواهای خمینی

آیت‌الله خمینی، به هیچ‌کدام از وعده‌ها و شعارهای پاریس خود عمل نکرد و به یک دروغ‌گوی بزرگ تاریخ معروف شد. شادی برخی طرفداران و جانشینان آیت‌الله خمینی، دروغ‌گویی را واجب شرعی می‌دانند. چرا دوران پاریس را نباید یکی از آن مواقع ضروری به شمار آورد؟

او حتی به قانون اساسی مورد تایید خود هم تعهدی احساس نمی‌کرد و به صراحت نشان که حکومت می‌تواند یک‌جانبه و هر موقع به نفعش نبود آن را

نادیده بگیرد و زیر پا بگذارد. خمینی، شیخ خلخالی را که جنون آدم‌کشی داشت به جان مردم انداخت. او به هر جایی از کشور، شهر و ورستا پایش رسید گروه‌گروه دستور اعدام صادر کرد. گروهی که به رهبری خلخالی، مسئول اجرای اعدام بودند قربانیان خود را حتی با چند سؤال و جواب سرپایی اعدام می‌کردند و به‌همین دلیل، دادگاه‌های خلخالی بسیار سریع‌تر از دادگاه‌های صحرایی حکم اعدام صادر می‌کرد و بلافاصله نیز به اجرا گذاشته می‌شد.

خمینی نخستین فتوای جنایت‌کارانه خود را با اسم رمز «حجاب اسلامی» علیه زنان صادر کرد تا به‌طور سیستماتیک سرکوب‌گردند و کار اصلی پخت و پز و خانه‌داری و تولید سرباز برای اسلام و جمهوری اسلامی باشد. او دومین فتوای خود را علیه مردم حق طلب کرد صادر کرد. او بر ادامه جچنگ هشت ساله و خانمانسوز ایران و عراق تاکید کرد تا این که در حال شکست قطع نام‌هسازمان ملل را بمنی بر آتش بس پذیرفت اما بلافاصله با فتوای چند سطری کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی ر اصادر کرد و در مدت کوتاهی هزاران زندانی سیاسی را مخفیانه اعدام کردند و به خاک سپردند. هنوز هم

بازماندگان این قربانیان نمی‌دانند که عزیزان‌شان را کجاها دفن کرده‌اند. آرامگاه معروف خاوران تهران، تنها یکی از این مکان‌هایی است که زندانیان سیاسی به‌طور مخفیانه و گروهی دفن کرده‌اند.

در واقع دهه نخست حاکمیت جمهوری اسلامی به رهبری خمینی، دهه وحشت و تهدید و ترور و شکنجه و اعدام و جنگ است. در عین حال، همه جناح‌هایی که در این دهه با جمهوری اسلاکی همراه بودند این دهه را دهه «طلایی» «امام راحل» می‌نامند و همه جناح‌های حکومتی در سرکوب انقلاب ۵۷ و کشتار مخالفین در این دهه و ادامه جنگ نقش مستقیم داشتند و به‌همین دلیل، حتی آن‌هایی که به کلی از حکومت دور شده و به خارج کشور نیز آمده‌اند حاضر نیستند درباره وقایع این دهه، سخن بگویند چرا که پای خودشان نیز در این جنایات گیر است!

آیت‌الله منتظری، رهبر آینده جمهوری اسلامی با مجلس خبرگان رهبری بود و آن‌ها منتظری را انتخاب کرده بودند. اما عزل آیت‌الله منتظری از رهبری آینده نظام، توسط خمینی صورت گرفت و او عملاً با نقض قانون اساسی، تعهد خود به رعایت آن را زیر پا نهاد.

خود او در نامه ۶۸/۱/۸ به همین موضوع اشاره کرده و نوشته است: «... طلاب عزیز، ائمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه‌ها، و رادیو- تلویزیون، باید برای مردم این قضیه ساده را روشن کنند که در اسلام، مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است، و همه باید تابع آن باشیم.»

اما حتی وزرا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی مسئله دار شده بودند. او در ۶۸ / ۱ / ۲۶ طی نامه‌ای به آن‌ها در این خصوص نوشت: «وظیفه شرعی اقتضا می‌کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد. لذا با دلی پرخون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم.»

هر انسان آگاهی به خوبی می‌داند که آیت‌الله خمینی در این جا «مصلحت نظام و اسلام» را یکی قلمداد می‌کند.

بنابراین، دروغ‌گویی و مصلحت حاکمیت مهم‌تر است یا جان چند هزار زندانی سیاسی؟ وقتی «مصلحت نظام» ایجاب کرد، فرمان داد تا چند هزار زندانی سیاسی را در تابستان ۱۳۶۷، «بی‌رحمانه»، «با خشم و کینه انقلابی» قتل عام کنند. باز هم تاکید کرد که بی‌رحمی نسبت به زندانیان سیاسی محکوم به حبس، «از اصول تردید ناپذیر نظام» است: «رحم بر محاربین ساده‌اندیشی

است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردید ناپذیر نظام اسلامی است.»

مصلحت نظام» را ساخته بود تا با توسل به آن، همه کارهایش را موجه سازد. خمینی امروز می‌گفت «مصلحت نظام» این است که تا پیروزی بر صدام به جنگ ادامه دهیم. فردا می‌گفت، «مصلحت نظام» این است که به جنگ پایان بخشیم: «من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ... در مقطع کنونی آن (قطع نامه ۵۹۸) را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم... همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود... تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود.» (صحیفه امام، جلد ۲۱، پیام‌پذیری قطع نامه ۱۳۶۷/۴/۲۹)

در ۱۳۶۷/۱۰/۸ به شورای نگهبان نوشت: «تذکری پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند.» (صحیفه امام، جلد ۲۱، نامه ۶۷/۱۰/۸ به مجمع تشخیص مصلحت نظام)

خمینی حتی ادعا می‌کرد: «آن مسلمی که در آفریقا است، حفظ جمهوری اسلامی برایش واجب است.» (صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۴۸۷)

دروغ‌های بزرگ خامنه‌ای

در سال ۱۳۹۰، فیلم سخنرانی محمد سعیدی، امام جمعه شهر قم منتشر شده است که سعی می‌کند برای مردمی که پای منبر او نشستند، تولد خامنه‌ای را در هنگام به دنیا آمدن و تولد، متفاوت با تولد دیگر انسان‌های عادی نشان دهد.

محمد سعیدی در این سخنرانی به نقل از خواهر ناتنی خامنه‌ای، نقل می‌کند که: «زمان ولادت رهبر انقلاب که رسید، ما را از اتاق بیرون کردند. قابله در اتاق داشت زمینه تولد این فرزند جدید را فراهم می‌کرد. یک مرتبه دیدم صدای قابله بلند شد. که «علی نگاه‌دارت باشد.» ما در را باز کردیم و رفتیم تو. گفتیم چه شد؟ گفت که این آقا- یعنی مقام رهبری- وقتی می‌خواست از بدن مادر خارج شود، گفت «یا علی.» گفت تا این کلام را شنیدم، قابله گفت: «علی نگاه‌دارت باشد.»

در آن زمان این روایت از سوی بیت رهبری تایید یا تکذیب نشد. تنها واکنش به این روایت، سخنان رییس وقت دفتر بازرسی دفتر رهبری، یعنی ناطق نوری بود که گفته بود: «این مزخرفات است. توهین به مقام معظم رهبری است. این جور حرف‌ها ضد ولایت فقیه است.»

حال پس از ۸ سال، «سحام نیوز» به روایتی از دیدار خصوصی اکبر هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای دست یافته که نشان می‌دهد، رهبر جمهوری اسلامی تایید کرده که هنگام تولد، یا علی گفته است!

در آن ایام، هاشمی رفسنجانی در دیدارهای هفتگی و ماهانه خود پس از انتشار فیلم سخنان امام جمعه قم، به خامنه‌ای گفته که «این خرافات چیست که درباره شما نقل کرده‌اند؟ چرا شما با این گونه سخنان که به باورهای مردم لطمه می‌زند، برخورد نمی‌کنید؟»

خامنه‌ای در پاسخ به هاشمی گفته که «اتفاقا پس از این صحبت‌های آقای سعیدی، خواهرم را خواستم و از ایشان جويا شدم که ماجرا چه بوده است. ایشان گفتند که شما موقع تولد یا علی گفته‌اید، و این نقل قول را تایید کردند.

این که شما فکر می‌کنید این‌ها داستان‌سرایی و خرافات است، نیست و واقعیت داشته است!»

البته رهبری ذکر نکردند که چرا این خاطره بعد از ۷۰ سال به یاد خواهر ایشان افتاده است

تایید این سخنان نشان‌دهنده عمق نفوذ دروغ و خرافات در ارکان قدرت در ایران است. دروغی بزرگ که توسط خود ایشان با هدف مقدس‌سازی چهره خود در بین جامعه، و ترویج شدن توسط گروهی از نزدیکان وی صورت می‌گیرد. بنا کردن قدمگاه و بوسیدن جای پای وی، گرفتن چفیه و انگشتر، نام بردن از وی به‌عنوان سیدخراسانی (هنگام ظهور امام زمان) و ... تنها گوشه‌هایی از تلاش جریان حکومت برای ساختن چهره‌ای قدسی و کاملاً آسمانی از خامنه‌ای است.

خرافات و تعصب دینی از یک سو و تکنیک دروغ بزرگ از سوی دیگر، البته ثروت‌اندوزی و نظامی‌گری به شیوه سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، گشت ارشاد، وزارت اطلاعات، سربازان گمنام امام زمان، نیروهای آتش به اختیار و... از سوی دیگر، باعث در تنگنا قرار گرفتن مردم در کشور شده است.

همه‌گیری کووید-۱۹ رخدادی تاریخی مهمی است که فراموش شدنی نیست. در حالی که در دوران این بحران جهانی و در بجه‌بوحه بیماری‌های همه‌گیر، خامنه‌ای و سایر مقامات سیاسی و نظامی و مذهبی، به نظریه‌های «توطئه» و «تکنیک دروغ‌های بزرگ» روی آورند تا بتوانند این توهم را در مردم ایجاد می‌کند که می‌توانند شرایط را کنترل کنند.

جمعه نوزدهم دی ۱۳۹۹، رهبر جمهوری اسلامی ایران آب پاکی را برای برنامه تهیه واکسن کووید-۱۹، روی دست مردم ایران ریخت. علی خامنه‌ای که در آن دوارن روزبه‌روز کم‌تر در تجمعات بیت خود ظاهر می‌شد، در قم با صراحت گفت که واردات واکسن‌های آمریکایی و بریتانیایی به ایران «ممنوع» است.

تا امروز، واکسن‌های «فایزر- بیون‌تک»، «مدرنا» و آکسفورد-آسترازنکا تنها واکسن‌های مهم تایید شده هستند. این واکسن‌ها در آمریکا و بریتانیا، با همکاری پژوهش‌گران و متخصصان کشورهای دیگر تولید شده‌اند و ربط مستقیمی به سیاست‌ها و عمکردهای دولت‌ها ندارند. آیت‌الله خامنه‌ای در

سخنان تلویزیونی روز جمعه خود گفته است: «ورود واکسن امریکایی و انگلیسی کرونا به کشور ممنوع است.» او ادعا کرد: «آن‌ها می‌خواهند واکسن را بر روی ملت‌های دیگر آزمایش کنند ... آن‌ها قابل اعتماد نیستند.»

اظهارات خامنه‌ای در حساب رسمی توئیتر وی منتشر شد. این سخنان علاوه بر این که می‌توانند عواقب ویران‌گری بر وضعیت سلامت مردم ایران داشته باشند، دروغ نیز هستند.

این اولین اظهار نظر نادرست و جعلی خامنه‌ای نبود؛ او پیش‌تر کوشیده بود کووید-۱۹ را «سلاح بیولوژیک» و ساخته آمریکا معرفی کند. رسانه دولتی و سیاستمداران حکومتی ایران، به‌ویژه جریان‌های نزدیک به نیروهای امنیتی نیز ادعاهای جعلی از این دست را گسترش داده و مدعی شدند که واکسن کووید-۱۹ می‌تواند مثل سلاحی علیه مردم ایران به کار گرفته شود.

کشف و تولید واکسن، پیروزی بزرگ علم مدرن است. نخستین واکسن ساخته شده در غرب را «ادوارد جنر» بریتانیایی برای مبارزه با بیماری «آبله» تولید کرد. او نشان داد که تزریق حجم کم و بی‌اثر بیماری آبله می‌تواند واکنش دفاعی بدن را فعال کند و عملاً بدن را از آن مصون نگاه دارد.

واکسن آبله و در پی آن، واکسن‌های «فلج اطفال»، «سرخک»، «اُوریون»، «سرخجه»، «ابولا» و «تب زرد» جان میلیون‌ها انسان را در جهان و از جمله در ایران نجات داده و می‌دهند. تولید چند واکسن مطمئن و مؤثر علیه بیماری کووید-۱۹، رخدادی تاریخی است؛ نخست به این دلیل که در مدت زمان بسیار کوتاهی ساخته شده‌اند، دوم این که ده‌ها هزار تن داوطلبانه حاضر شده‌اند در روند انجام آزمایش‌های نخستین آن‌ها شرکت کنند و سوم این که در اقدامی بی‌سابقه، پژوهش‌گران و دانشمندان سراسر جهان در مراحل تحقیق و ساخت آن‌ها با یکدیگر همکاری کرده‌اند. پس، تولید، توزیع و استفاده سریع از این واکسن‌ها باید موجب خشنودی شود.

باوجود این، خامنه‌ای مثل دیگر نظریه‌پردازان تئوری‌های توطئه در دنیا، از این موقعیت استفاده کرد تا داستان‌های تخیلی خود را به دلایل ایدئولوژیک و مالی گسترش و تحویل جامعه دهد. این احتمال وجود دارد که خامنه‌ای به این دلیل اعتبار واکسن‌های ساخت آمریکا و بریتانیا را زیر سؤال می‌برد که می‌خواهد واکسن «کویران-برکت» را تبلیغ کند. این واکسن تحت نظر «بنیاد برکت» در حال آزمایش و تولید است. بنیاد برکت از جمله نهادهای وابسته به

«ستاد اجرایی فرمان امام» است. این ستاد تحت فرمان مستقیم علی خامنه‌ای اداره می‌شود و در نتیجه، موفقیت آن به سود شخص رهبر ایران است.

اظهاراتی شبیه گفته‌های علی خامنه‌ای درباره واکسن‌های کووید-۱۹ نه تنها غلط و دروغ بودند بلکه بسیار خطرناک هستند و احتمالاً برخی‌ها را مجاب کرد که واکسن نزدند.

پس دروغ‌گویی درباره واکسن با هدف سودجویی شخصی و یا خرافه‌پرستی می‌تواند کل جامعه را به خطر بیندازد.

از این دست داستان تخیلی و دروغین که کووید-۱۹ و واکسن‌های آن بخشی از یک پروژه جهانی برای کاهش و یا کنترل جمعیت است نیز بارها، از جمله در رسانه‌های ایران مطرح و تکرار شده است. تعجبی هم ندارد که این رسانه‌ها، غرب به خصوص آمریکا و اسرائیل و بعضاً بهاییان را در این ماجرا مقصر معرفی کردند.

انفجار در حرم امام رضا در مشهد و کشتن کشیش‌ها

روز دوشنبه ۳۰ خرداد سال ۷۳، مصادف با عاشورا، نظام در یک اقدام جنایت‌کارانه، دست به انفجار ضریح امام رضا در مشهد زد و بلافاصله بعد از آن، حکومت این اقدام را به مجاهدین خلق ایران منتسب کرد.

اما در سال‌های بعد بارها عناصر حکومت در جنگ قدرت افشا کرد که این انفجار کار خود نظام بوده است.

کشتن و مثله کردن ۳ کشیش مسیحی یکی دیگر از دروغ‌هایی بود که حکومت آن را به دشمن اصلی خودش یعنی مجاهدین خلق نسبت داد. امری که بعد از درون حاکمیت افشا شد کار خودشان بوده است.

هاله نور محمود احمدی‌نژاد

«هاله نور»، به ماجرای ادعای محمود احمدی‌نژاد رییس جمهوری وقت جمهوری اسلامی ایران در حضور آیت‌الله جوادی آملی در مورد مشاهده هاله نور در اطراف خودش توسط برخی نزدیکان در هنگام سخنرانی در مقر سازمان ملل گفته می‌شود.

مهرماه سال ۱۳۸۴ است. چند روزی است که محمود احمدی‌نژاد از اولین سفرش به سازمان ملل متحد در آمریکا برگشته است. او سفری به شهر مذهبی قم می‌کند تا با روحانیون و مراجع این شهر دیداری داشته باشد و گزارشی از سفر خود به آنان ارائه کند.

رئیس‌جمهور به دفتر آیت‌الله عبدالله جوادی آملی می‌رود. اما سخنان او نزد این روحانی بلندپایه قم نه تنها برای ماه‌ها جنجال‌ساز می‌شود، بلکه مستندی به دست منتقدان او می‌دهد تا رئیس‌جمهور را به خاطر این گفته‌ها مورد سرزنش قرار دهند.

احمدی‌نژاد به آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «گفت وقتی تو شروع کردی «بسم‌الله» و «اللهم» را گفتی، من دیدم یک نوری آمد، تو را احاطه کرد و تو تا آخر در یک حصن و حصاری رفتی»؛ این را من خودم هم احساس کردم که فضا یک دفعه عوض شد و همه حدود بیست و هفت، هشت دقیقه تمام، این سران مژه نزدند. این که می‌گویم مژه نزدند، غلو نمی‌کنم. اغراق نیست، چون نگاه می‌کردم، همه سران مبهوت مانده بودند. انگار یک دستی همه آنان

را گرفته بود، آنجا نشانده بود. چشم‌ها و گوش‌هایشان را باز کرده بود که ببینید از جمهوری اسلامی پیام چیست؟»

روزهای بعد، دفتر رئیس‌جمهور ضمن تکذیب چنین سخنانی اصالت این فیلم را زیر سؤال می‌برد. محمود احمدی‌نژاد هم در گفت‌وگو با خبرنگار تلویزیون دولتی ایران این مسئله را تکذیب می‌کند. او می‌گوید:

«می‌گویند بله. احمدی‌نژاد گفته است. من کی هم چنین حرفی زده‌ام؟ ما هاله نورمان کجا بود؟...»

با پخش این فیلم منتقدان و حتی برخی از اصول‌گرایان حامی رئیس‌جمهور، زبان به انتقاد و حتی در مواردی تمسخر او می‌گشایند. سراج میردامادی، روزنامه‌نگار سیاسی ساکن پاریس، در این باره می‌گوید:

«ایشان تلاش می‌کرد سخنرانی‌اش در سازمان ملل که جزو اولین سخنرانی‌ها و حضور بین‌المللی‌شان بود را (مهم جلوه بدهد) و بدین طریق چنین داستانی را تراشید که توی چشم افکار عمومی جهانی از نظر منطق و جایگاه حرف‌هایی که مطرح کرده، جا افتاده است.»

نکته دوم که مهم‌ترین نکته است این است که در معتقدات شیعه کسی که چنین ادعایی را مطرح کند که خودش در میان هاله‌ای از نور دیده شده است، در واقع پا روی معتقدات شیعه گذاشته است و این مسئله‌ای بود که از نظر دینی و اعتقادی و کلامی اصلاً قابل قبول نبود و انتقادات گسترده‌ای را برانگیخت.»

با وجود این که از این جلسه فیلم‌برداری شد و فیلم آن در دسترس عموم قرار گرفت، اما احمدی‌نژاد و دفتر رئیس جمهور آن را تکذیب کرد و غلامحسین الهام، رئیس دفتر وی که خود نیز در جلسه حضور داشت، اعلام کرد که چنین چیزی نشنیده و هاله نور و مسائلی شبیه به این ساختگی و تروکاژ سینمایی است.

به دنبال انکار این موضوع توسط محمود احمدی‌نژاد در مناظره با مهدی کروبی، ادعای احمدی‌نژاد مبنی بر هاله نور را تایید کرد. هم‌چنین محمدتقی سبحانی، نیز که از حاضران جلسه بود، این ماجرا را تایید نمود.

این درحالی بود که برخی دیگر از مدافعان، مانند سایت رجانیوز، فیلم را ساختگی ندانسته و مدعی شدند که «چنین تجربیات معنوی و عرفانی‌ای در طول زندگی هر شخصی ممکن است روی دهد.»

ماجرای هاله نور، در طول تبلیغات انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ و وقایع پس از آن، به یکی از ابزارهای تحقیر محمود احمدی‌نژاد بدل شد.



«دروغ» دولت روحانی در مورد سانحه هواپیمای اوکراینی و...

بوئینگ اوکراینی، در بامداد چهارشنبه ۱۸ دی ۹۸ دقایقی پس از برخاستن از فرودگاه خمینی در مسیر کیف، در صباشهر از توابع شهرستان شهریار سقوط کرد.

تمامی سرنشینان شامل ۱۴۴ ایرانی و ۳۲ نفر از اتباع پنج کشور خارجی توسط پافند هوایی سپاه خامنه‌ای مورد هدف قرار گرفته و جان خود را از دست دادند.

نظام با تمام قوا کوشید تا سقوط هواپیمای اوکراینی را یک سانحه هوایی جلوه دهد. اما زمانی که دیگر راه چاره‌ای برای حکومت نماند و تمامی شواهد علیه نظام بود و در حالی که تا عصر روز جمعه خبرگزاری رسمی دولت روحانی شلیک را با ذکر دلایل واهی متفی می‌دانست در روز شنبه و بعد از ۳ روز در روز ۲۱ دی مجبور شد به حمله و حماقت خود اعتراف کند.

حسن روحانی، رییس‌جمهور هم بعدازآن بارها با کنایه یا صراحت از بی‌اطلاعی خود از علت حادثه تا زمان تشکیل جلسه شورای عالی امنیت ملی، سه روز بعد از متلاشی شدن هواپیما حرف زد.

یک روز پس از سقوط هواپیمای اوکراینی، «علی عابدزاده»، رییس سازمان هواپیمایی کشوری احتمال شلیک موشک به هواپیما را رد کرد.

حسن روحانی، رییس‌جمهور هم بعد از آن، بارها با کنایه یا صراحت از بی‌اطلاعی خود از علت حادثه تا زمان تشکیل جلسه شورای عالی امنیت ملی، سه روز بعد از متلاشی شدن هواپیما حرف زد.

آیا مسئولیت حقوقی دولت «حسن روحانی» در حادثه شلیک موشک به هواپیمای بوئینگ اوکراینی بعد از افشای اطلاع مسئولان آن از علت حادثه از لحظات ابتدایی وقوع تغییر کرد؟

یک روز پس از انتشار فایل صوتی گفت‌وگوی برج مراقبت «فرودگاه امام خمینی» تهران با خلبان هواپیمای «شرکت آسمان» که شاهد شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی بود، سازمان هواپیمایی کشوری، با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد آن‌چه این خلبان «مشاهده» کرده، نه شلیک موشک که آتش انفجار ناشی از آن بود.

در این فایل صوتی، خلبان پرواز هواپیمایی آسمان به زبان فارسی به برج مراقبت می‌گوید که شاهد نور شلیک موشک و هم‌چنین انفجار پس از آن

است ولی برج مراقبت از وجود چنین موضوعی اظهار بی‌اطلاعی و سپس ۹ بار تلاش می‌کند تا با خلبان هواپیمای اوکراینی ارتباط بگیرد ولی پاسخی دریافت نمی‌کند.

یک‌شنبه سیزدهم بهمن‌ماه ۱۳۹۸، بعد از انتشار فایل صوتی گفت‌وگوی برج مراقبت فرودگاه بین‌المللی امام خمینی تهران با خلبان پرواز شرکت آسمان، موج جدید انتقادات از مسوولان سازمان هواپیمایی و بقیه مسوولان دولتی بعد از انفجار هواپیمای بوئینگ اوکراینی راه افتاد. این موج انتقادات در فضای مجازی به «دروغ» مسوولان دولتی در مورد اطلاع نداشتن از حادثه تا سه روز بعد از وقوع آن اشاره داشت؛ دروغی که البته تا زمان انتشار فایل صوتی برج مراقبت فرودگاه امام خمینی با خلبان هواپیمای شرکت آسمان هم ادامه داشت.

بعد از آن هم علاوه بر دیگر مسوولان سازمان هواپیمایی کشوری، «علی ربیعی»، سخن‌گوی دولت روحانی، بارها در جلسات مصاحبه با خبرنگاران تاکید کرد که حسن روحانی، رییس‌جمهور و دیگر مقامات دولتی هم تا سه

روز بعد از شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی از علت این حادثه بی‌خبر بودند.

بسیاری بر این باورند که شلیک دو موشک به هواپیمای اوکراینی از سوی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی، عمدی بوده است.

فایل صوتی منتشرشده از گفت‌وگوی خلبان پرواز شرکت هواپیمایی آسمان با برج مراقبت فرودگاه امام خمینی سندی مبنی بر عمد بودن قتل ۱۷۶ سرنشین هواپیمای اوکراینی به دست می‌دهد. چرا که بحث خطا در مورد شلیک دو موشک به هواپیمای اوکراینی کاملاً مردود است.

دروغ‌های اقتصادی و اشتغالی حسن روحانی

روحانی همان ابتدا و در شعارهای انتخاباتی گفته بود: «آن‌چنان رونق اقتصادی ایجاد کنیم که نیازی به یارانه ۴۵ تومانی نداشته باشید.»

اما هیچ‌وقت وعده‌های روحانی درباره بهبود اقتصادی و ایجاد شغل محقق نشد. در هشت سال فعالیت دولت دوازدهم، اقتصاد هرگز از رکود خارج نشد.

کلیدواژه بنزین برای بسیاری از مردم یادآور روزهایی است که انگار مردم مطلع‌تر از دولت بودند. سال ۹۸ که صحبت از احتمال گرانی بنزین شد، دولت

دوازدهم به صراحت آن را تکذیب کرد. کمی بعد اما در مسیری متفاوت حرکت کرد و گرانی بنزین را به ثبت رساند.

در مورد بنزین، به گونه‌ای که افزایش قیمت حامل‌های سوخت در طول چند سال و تکذیب و انکار دولت یازدهم و دوازدهم درباره اصلاح قیمت بنزین، مشکلات سال ۹۸ را رقم زد.

دروغ دولت روحانی این جا بود که پیش از این به قاطعیت افزایش قیمت بنزین را تکذیب و رد کرده بود. حتی در دولت قبل، با قاطعیت گفته بود که قصد ندارد دست به قیمت حامل‌های انرژی بزند. اما سیاست‌های دوگانه دولت در حذف و ابقای سهمیه‌بندی بنزین در فاصله چند سال، سبب شد تا بسیاری از این دوگانگی دولت در سیاست‌ها سوءاستفاده کنند.

دولت روحانی بارها گفته بود که این افزایش قیمت را برای مردم و توزیع عادلانه یارانه سوخت انجام داده و قصد دارد پول افزایش قیمت بنزین را بین ۶۰ میلیون نفر توزیع کند. اما آنچه که بین مردم توزیع شد، گله‌های مردم بود که نشان می‌داد برنامه درستی برای نظارت‌های بعد از گرانی بنزین وجود نداشته است.

در این میان، نبود یک سیاست شفاف، پنهان کردن واقعیت، حبس قیمتی برای سال‌های متوالی و در نهایت انداختن شعله افزایش قیمت‌ها به دامن مردم، چیزی است که از یک دروغ آغاز شد و در نهایت هم به بی‌اعتمادی مردم منجر شد. دروغی که یک جمله بود: «قیمت بنزین را گران نمی‌کنیم.» یکی از کارهایی که دولت روحانی در بدو ورود انجام داد، نشانه گرفتن مساله بیکاری بود. به همین خاطر هم در ابتدای دولت اول خود گفته بود که قصد دارد سالی ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کند.

اما این وعده چه قدر روی حقیقت به خود گرفت و آمارها چه می‌گویند؟ برای روشن شدن میزان واقعی بودن این وعده کافی است به آمارهای مربوط به دولت اول روحانی نگاهی بیاندازیم. طبق اعلام مرکز آمار در سال ۹۶، دولت سالانه حدود ۳۵۰ هزار شغل ایجاد کرده بود یعنی به نصف وعده خود جامه عمل پوشاند.

گزارش مرکز آمار از وضعیت بیکاری طی سال‌های ۹۱ تا ۹۵ نشان می‌داد که طی ۴ سال رقمی در حدود یک میلیون و ۴۲۷ هزار شغل ایجاد شده است. یعنی به صورت متوسط در هر سال حدود ۳۵۶ هزار شغل.

از طرفی طبق همان اطلاعاتی که مرکز آمار منتشر کرده، جمعیت فعال کشور در سال ۹۱ حدود ۲۴ میلیون و ۱۰۵ هزار نفر و بیکاران ۲ میلیون و ۹۴۴ هزار نفر بوده است. یعنی با یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت که جمعیت شاغل در پایان سال ۹۱ حدود ۲۱ میلیون و ۱۶۱ هزار نفر بوده است. از طرفی آمارهای سال ۹۵ نشان می‌دهد که جمعیت فعال کشور ۲۵.۷ میلیون نفر بوده که ۳.۲ میلیون بیکار و ۲.۵ میلیون شاغل بودند. در نتیجه طی ۴ سال، ۱.۴ میلیون اشتغال ایجاد شده که سالانه رقمی در حدود ۳۵۰ هزار نفر است. البته برخی در این میان تاکید می‌کنند که میزان اشتغال خالص در این ۴ سال، به میزان ۱۰۰ هزار نفر در سال بوده است.

به‌طوری که معاون توسعه کارآفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۹۸، رسماً اقرار کرده بود که با توجه به شرایط کشور در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ اشتغال پیش‌بینی شده محقق نشد.

خاطره مردم از سال‌های ۹۸ و ۹۹، خاطره تلخ و اعتماد به دولت بود که از مردم برای ورود به بورس دعوت کرده بودند. حاصل آن اما چیزی جز ضرر برای سهام‌داران نبود.

۱۶ مرداد ۹۹ بود که حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت به صراحت ادعا کرده بود: «با شرایطی که بورس نشان می‌دهد اوضاع بهتر خواهد شد؛ مردم باید همه چیز را به بورس بسپارند.»

بسیاری از صاحب‌نظرات مسئله کسری بودجه دولت و تلاش روحانی برای جبران آن از طریق جذب نقدینگی مردم در بازار بورس را عامل اصلی تشویق دولت برای سرمایه‌گذاری در تالار شیشه‌ای می‌دانستند.

یکی دیگر از وعده‌هایی که روحانی در زمان رقابت‌های انتخاباتی مطرح کرده بود، ارائه راه‌حل‌های کوتاه‌مدت یک ماهه و ۱۰۰ روزه بود. چیزی که بعد از قرار گرفتن او در مقام رئیس‌جمهور به سمت و سوی دیگری کشیده شد و به مرور تکذیب شد.

یکی دیگر از مسائلی که عنوان شده اما شکل حقیقت به خود نگرفت، مساله احتیاج نداشتن به یارانه بود. او در جمله‌ای گفته بود: «کاری می‌کنیم که به یارانه نیاز نداشته باشید.» اما تورمی که اقتصاد در پایان فعالیت‌های دولت یازدهم و دوازدهم به خود دید، عملاً یارانه را بی‌اعتبار کرد. یعنی نه تنها وضعیت مردم بهتر نشد، که حضور آن در زندگی مردم اصلاً احساس نمی‌شد.

حسن روحانی، در ادامه دروغ‌های خود درباره کرونا هم گفته است: «گزارش برخی استان‌ها نشان می‌دهد علاوه بر برگزاری مراسم عزاداری در محرم شاهد کاهش روند ابتلا به کرونا هستیم و این «افتخارآمیز» است.»

فضای اعتراض‌ها همانند عملیات «کربلای ۴»

«علی فدوی» جانشین فرمانده کل سپاه، در سافند ماه ۱۳۹۸، بدون توضیح بیش‌تر فضای اعتراض‌ها را به عملیات «کربلای ۴» تشبیه کرد که بزرگ‌ترین شکست نظامی ایران در دوران جنگ با عراق بود، با ذکر این‌که نیروهای حکومتی برای مقابله با اعتراضات «۴۸ ساعت جنگ کرده‌اند.»

بلافاصله پس از اعتراضات آبان‌ماه ۱۳۹۸، مقام‌های رسمی ایران طیف گسترده‌ای از اقدامات «تروریستی» را به معترضان نسبت دادند.

رسانه‌ها و مقام‌های حکومتی ایران، یک‌صدا از ابتدای اعتراض‌ها، شرکت‌کنندگان در اعتراضات را به نیروهای خارجی متصل دانستند.

بلافاصله پس از اعتراضات آبان‌ماه، مقام‌های رسمی ایران طیف گسترده‌ای از اقدامات «تروریستی» را به معترضان نسبت دادند، هرچند اغلب اتهامات

به میزانی عجیب بودند که حتی بعدها، در نشریات حکومتی ایران نیز تکرار نشدند.

«علی ربیعی» سخن گوی دولت، در ۲۹ آبان ۱۳۹۸ گفت: «به ما گفتند برخی اجازه تغییر شیفت در (پالایشگاه) عسلویه را نمی دهند و به برخی لوله ها دینامیت بسته بودند.» او هم چنین از «محمدجواد آذری جهرمی»، وزیر ارتباطات نقل کرد که معترضان «می خواستند خط تلفن اصفهان را قطع کنند.» در ۳۰ آبان، «سالار آبنوش»، فرمانده عملیات سازمان بسیج، اعتراضات را «جنگ جهانی تمام عیاری علیه نظام و انقلاب» توصیف کرد و مدعی شد: «فتنه گران کشتار نصف ایران را در نظر گرفته بودند.» این فرمانده تا به آنجا پیش رفت که گفت: «برای اولین بار با هماهنگی و سازمان دهی خاصی مواجهه شده بودیم به طوری که کیف هایی داشتند که وسایل آن ها را تابه حال ندیده بودیم. مثلاً هوابرش ها و قیچی هایی که سخت ترین قفل ها را می بریدند و هر جا که وارد می شدند بلافاصله آتش زده و غارت می کردند.»

در همان روز، «حسام الدین آشنا»، مشاور رییس جمهور اعتراضات را با عملیات نظامی مجاهدین خلق در پایان جنگ مقایسه کرد: «خیال کردند

عملیات فروغ جاودان ۲ را کلید زده‌اند ولی حالا به‌خوبی فهمیدند که در واقع عملیات مرصاد ۲ کلید خورده است.» فروغ جاویدان نام نبردی است که توسط سازمان مجاهدین خلق طرح‌ریزی شد و در اواخر جنگ ایران و عراق بین مجاهدین خلق و جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. عملیات مرصاد پاتک نیروهای جمهوری اسلامی در پاسخ به عملیات فروغ جاویدان است.

«عبدالرضا رحمانی‌فضلی»، وزیر کشور در ۵ آذر گفت نیروهای انتظامی در جریان اعتراضات با «لشکر قمه‌کشان و مسلحان» روبه‌رو بوده و تعریف کرد: «ما با هسته‌های چهار و پنج نفره مواجه شدیم که در آن گروه‌ها یک خانم حضور داشت و با کوکتل مولوتف، قمه و سلاح سرد حملاتی انجام دادند ... همه زیرساخت‌های اصلی کشور از جمله بزرگراه‌ها و جاده‌های اصلی را نشانه رفتند.»

چنین ادعاهایی، مشابه نگاه آیت‌الله «علی خامنه‌ای» به اعتراضات آبان بود. او از جمله در ۶ آذر، این اعتراضات را «حرکت تخریب، شرارت و آدمکشی» و «یک توطئه عمیق وسیع بسیار خطرناک» توصیف کرد که «آن‌همه پول خرج آن شده بود.»

در ۲۷ آبان، سپاه پاسداران با صدور بیانیه‌ای معترضان را به آمریکا وابسته دانست و مقام‌های آمریکایی را «سرشبکه شرارت و کینه‌توزی ضد ایران» معرفی کرد. روزنامه کیهان در ۲۸ آبان نوشت برخی از بازداشت‌شدگان در «اعترافات» خود گفته‌اند: «قرار بود اگر شناسایی شدیم با سرپل‌ها تماس بگیریم تا از کشور خارج بشویم و چنان‌چه شناسایی نشدیم، مبالغی دریافت کنیم و برای آشوب‌های بعدی آماده باشیم.»

سالار آبنوش در ۳۰ آبان از تشکیل «ائتلاف شیاطین به‌معنای واقعی» خبر داد که شامل «صهیونیست‌ها و آمریکا و عربستان» می‌شد. او همچنین اعلام کرد که «در بازجویی‌ها اطلاعات زیادی به‌دست آمده» و وعده داد که «اطلاعات تکمیلی پس از اعترافات اعلام خواهد شد.»

علی فدوی جانشین فرمانده سپاه، در اول آذر گفت: «همه خبیث‌های عالم» از اعتراضات پشتیبانی کرده‌اند. او تاکید کرد که «هیچ کشوری به‌مانند فرانسه محرک این اغتشاشات نبود». البته در مورد نقش ویژه‌ای که برای فرانسه قائل شده توضیح بیش‌تری نداد.

«محمدجعفر منتظری» دادستان کل کشور، در ۲۸ آذر از نقش «آمریکا، اسرائیل، عربستان و اسرائیل» در اعتراضات خبر داد و ابراز امیدواری کرد که مسئولان امنیتی اطلاعات به دست آمده را در «رسانه ملی» پخش کنند.

هم‌زمان با اظهاراتی از این قبیل، سخن‌گویان حکومت مدعی شدند «اتباع» کشورهای دیگر در وقایع آبان نقش تعیین‌کننده داشته‌اند.

روزنامه کیهان در ۲۸ آبان از قول مدیر حوزه علمیه استان فارس که مورد حمله عده‌ای از معترضان قرار گرفته بود، نوشت عده‌ای از مهاجمان «با صورت‌های نقاب‌زده اسلحه کلت به همراه داشتند»، تازه بعضی از آن‌ها هم «ایرانی نبودند و به زبان‌هایی غیر از فارسی صحبت می‌کردند.»

خبرگزاری فارس در ۲۸ آبان، از دستگیری یک تیم «هفت نفره» حمله به بانک‌ها خبر داد که همه آن‌ها «اتباع یکی از کشورهای همسایه شرقی بوده‌اند.» همین خبرگزاری در ۲۹ آبان، از دستگیری تعدادی از «لیدرهای» اعتراضات در کرج خبر داد و نوشت بعضی از آن‌ها «آلمانی، ترک و افغان» بوده‌اند که «تجهیزات ویژه خرابکاری از آن‌ها کشف و ضبط شده است.»

در ۳۰ آبان، «غلامحسین اسماعیلی» سخنگوی قوه قضاییه از بازداشت یک «بازنشسته سفارت ایران در کشور دانمارک» سخن گفت و اعلام کرد: «از بازرسی در منزل وی تجهیزات مربوط به جاسوسی و دیگر تجهیزات الکترونیکی کشف شده است.»

باوجود تمام این ادعاها، با گذشت یک ماه و نیم از اعتراضات، محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور به بیان سخنانی پرداخت که درواقع، اذعان صریح به میزان اعتبار ادعاهای مکرر دستگیری اتباع خارجی بود. او در ۱۱ دی گفت: «در حوادث آبان ماه از اتباع خارجی کسی بازداشت نشده است.»

نقش «منافقین و داعش و الاحواز»

به روال معمول، موضوع پررنگ بخشی از تبلیغات رسانه‌ها و مسئولان حکومتی، وابسته دانستن معترضان به گروه‌های «برانداز» بود.

به دنبال جلسه غیرعلنی ۲۶ آبان مجلس با «علی شمخانی»، دبیر شورای عالی امنیت ملی، برخی نمایندگان به نقل از آقای شمخانی از «اسنادی» سخن گفتند که از حمله «گروه‌های سازمان‌دهی شده از طرف منافقین و ضدانقلاب» به ماموران انتظامی حکایت داشتند.

سپاه پاسداران نیز در بیانیه ۲۷ آبان خود، مدعی دست داشتن منافقین و خاندان پهلوی در اعتراضات شد و از آن‌ها با عنوان «گروهک شیطانی و جنایت‌کار منافقین» و ... نام برد. در همان روز، سپاه سیدالشهدای استان تهران اعلام کرد دو تن از نیروهای بسیج و یک نیروی سپاه پاسداران کشته شده‌اند و «نحوه شهادت هر سه» همانند «ترورهای دهه ۶۰ به دست منافقین است.»

در ۲۶ آذر «محمدجواد لاریجانی»، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه از نقش داشتن «یک گروه داعشی جدید» در اعتراضات خبر داد، با این توضیح مبهم که «داعش قبلی از اسلام می‌گفت اما این‌ها صحبت‌های دیگری دارند.» در کنار این قبیل اظهارات، رسانه‌های رسمی، هم‌چنین به انتشار ادعاهای مشخص علیه برخی از دستگیرشدگان پرداختند.

تلویزیون ایران در ۲۶ آبان، «مستند واقعیت ماجرا» را روی آنتن فرستاد که در آن، «اعترافات» عده‌ای از دستگیرشدگان پخش می‌شد؛ مثلاً شخصی می‌گفت مستقیم از شبکه الاحواز دستور می‌گرفتیم، فردی خبر می‌داد در اینستاگرام عضو گروه «ارتش فیروزه‌ای» شده، شخص دیگر اعتراف می‌کرد

از طرف «مریم رجوی» با او تماس گرفته‌اند و دیگری خبر می‌داد با گروهک‌های ضدانقلاب و تجزیه‌طلب در تماس بوده است.

برنامه بیست‌وسی سیما، در ۲۹ آبان اعترافات یکی از دستگیرشدگان را پخش کرد که می‌گفت به «فاطمه کاراته» شهرت دارد، «سابقه همکاری با گروه‌های ضدانقلاب را دارد» و «با گروه‌های ضدانقلاب در شمال عراق دیدار داشته است.» در همان روز، فرمانده سپاه عاشورای آذربایجان شرقی هم اظهار داشت که «در بین دستگیرشدگان (افرادی) از مذاهب دیگر وجود دارد.» این نمایش‌های تلویزیونی، توأم با انتشار اخبار مشابه سپاه‌های استانی در مورد دستگیرشدگان بود.

برای مثال در ۲۷ آبان، سازمان اطلاعات سپاه استان فارس اعلام کرد توانسته دو نفر از «لیدرهای وابسته به گروه‌های معاند» را دستگیر کند که با وعده‌های «اقامت و پرداخت پول» مردم را تحریک کرده بودند. در همان روز، سپاه استان البرز مدعی شد ۱۵۰ نفر از «لیدرهای مخل امنیت» را بازداشت کرده که اعتراف کرده‌اند «در داخل و خارج از کشور» آموزش دیده‌اند.

در ادامه همین اتهامات، در ۲۹ بهمن، غلامحسین اسماعیلی سخن‌گوی قوه قضاییه با ذکر این‌که «در بین بازداشت‌شدگان افرادی بودند که با جریان نفاق (مجاهدین خلق) همکاری می‌کرده‌اند»، به‌عنوان نمونه به «باند امیر آلمانی» اشاره کرد که به گفته او «در آبان‌ماه بانک آتش زد و بعد از اقدامات خود به ترکیه رفت اما با پیگیری‌ها از ترکیه بازگشت.»

در ۲ اسفند ۱۳۹۸، نخستین احکام اعدام مرتبط با معترضان آبان، برای «امیرحسین مرادی»، «سعید تمجیدی» و «محمد رجبی» صادر شد؛ به اتهام «مشارکت در تخریب و تحریق (آتش‌سوزی) به‌قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی.»

به گزارش کانون مدافعان حقوق بشر، هر سه آن‌ها در ملاقات با خانواده‌های خود تاکید کرده بودند زیر شکنجه وادار به اعتراف به «ارتباط با سازمان مجاهدین خلق» و «همراه داشتن قمه و چاقو» شده‌اند.

از سوی دیگر، در ۱۲ دی «مصطفی کواکبیان»، نماینده تهران به نقل از گزارش «مقام‌های مسئول» در جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت که «در جریان اعتراضات آبان‌ماه ۱۷۰ نفر کشته شده‌اند.» این در حالی است

که در دوم اسفند، «الیاس حضرتی» دیگر نماینده تهران تعداد کشته‌های آبان را به نقل از «یک مقام آگاه» امنیتی، «کم‌تر از ۲۵۰ نفر» عنوان کرد. با وجود انتشار این قبیل آمار غیررسمی، دستگاه‌های مسئول جمهوری اسلامی تاکنون از انتشار روایت رسمی خود از تعداد کشته‌شدگان آبان خودداری و در عوض، مکرراً به بیان ادعاهای متناقض در این زمینه پرداخته‌اند.

در ۲۷ بهمن، «حسن روحانی» آمار رسانه‌های خارجی در مورد تعداد جان‌باختگان را «اغراق و عجیب‌وغریب» توصیف کرد و افزود: «این آمار در اختیار پزشکی قانونی کشور است و آن‌ها می‌توانند این را اعلام کنند، ولی آمار واقعی آنچه تاکنون به ما اعلام شده با آمار رسانه‌ها فاصله زیادی دارد.» در ۲۸ بهمن، «عباس مسجدی آرانی»، رییس سازمان پزشکی قانونی، زیر نظر قوه قضاییه، در واکنش به سخنان رییس‌جمهور گفت: «براساس مصوبه شورای امنیت کشور وظیفه دولت است که این آمار را اعلام کند.» او ادامه داد پزشکی قانونی آمار جان‌باختگان را «به مراجع ذی‌صلاح اعلام کرده و هیچ وظیفه‌ای مبنی بر اعلام عمومی آن ندارد.» در اظهاراتی مشابه، «غلامحسین

اسماعیلی» سخن‌گوی قوه قضاییه در ۲۹ بهمن وظیفه انتشار آمار کشته‌شدگان را با «شورای امنیت کشور» دانست.

در واکنش به صحبت‌های مسجودی آرانی، «محمود واعظی» رییس دفتر رییس‌جمهور، در ۳۰ بهمن به این استدلال متوسل شد که: «رییس پزشکی قانونی اعلام کرده که مصوب شده شورای امنیت آمار را اعلام کند؛ در نامه‌اش ننوشته کدام شورا؛ برای همین ما نامه مذکور را هم به شورای امنیت کشور و هم شورای عالی امنیت فرستادیم.»

در همان روز، علی ربیعی سخن‌گوی دولت اظهار داشت: «آنچه رییس‌جمهوری بیان کردند، بر این اساس بوده که پزشکی قانون مرجع اعلام علت مرگ و صدور جواز دفن است. ولی ما معطل نمی‌مانیم چراکه این آمار باید به صورت شفاف بیان شود.» او یک‌بار دیگر وعده داد: «ظرف چند روز آینده این آمار از سوی یکی از دستگاه‌های مسئول اعلام خواهد شد.» وعده اعلام آمار اما کماکان محقق نشد.

۵ آذر «عبدالرضا رحمانی‌فضلی»، وزیر کشور ادعا کرد که: «در بین کسانی که جان باختند افرادی را داریم که با قمه، سنگ و یا تفنگ شکاری و یا آتش

کشته شدند»، یا صحبت‌های ۲۱ آذر دادستان کل کشور که: «از یک ماشین پژو ۸۴ اسلحه شکاری با گلوله‌های خاص آن در بجنوبه همین حوادث کشف کردیم، تعدادی از کشته‌شده‌هایی که ما در سراسر کشور داریم با همین اسلحه‌های شکاری است.»

در ۲۱ آذر، «علی شمخانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی، داستان روایت‌های حکومتی را یک گام بزرگ به پیش برد: «بیش از ۸۵ درصد از جان‌باختگان رخدادهای اخیر در شهرستان‌های تهران در هیچ‌یک از تجمع‌های اعتراضی حضور نداشته‌اند.» شمخانی در ادامه ادعا کرد این افراد «به صورت مشکوک» با «سلاح‌های سرد و گرم غیرسازمانی کشته شده‌اند». با توجه به اظهارات او، ظاهراً حکومت به دنبال جا انداختن این ادعا بود که بیشتر جان‌باختگان آبان از معترضان نبوده‌اند، بلکه کسانی بوده‌اند که به طور مشکوک و توسط افرادی غیر از نیروهای حکومتی کشته شده‌اند.

در ۲۶ آذر «محمدجواد لاریجانی» دبیر وقت ستاد حقوق بشر قوه قضاییه همین ادعا را به صورتی عجیب‌تر بیان کرد و اساساً وقایع آبان را درگیری «نیروهای تروریستی» و نیروهای امنیتی دانست: «۸۵ درصد کشته‌ها مربوط

به نیروهای امنیتی یا افرادی بوده است که در حال دفاع از منازل خود در برابر
تهاجم آشوبگران بوده‌اند و ۱۵ درصد کشته‌ها مربوط به نیروهای تروریستی
است.»

در ۱۱ دی «حسین رحیمی» رییس پلیس پایتخت، کار را به جایی رساند که
مدعی شد: «در اغتشاشات اخیر حتی یک نفر هم در تهران کشته نداشتیم،
در حالی که بیش از ۲۲۰ نفر از فرزندان نیروی انتظامی مصدوم شدند. در ۱۶۵
نقطه که درگیر شدیم حتی یک نفر از اغتشاشگران را مصدوم نکردیم.»
به دنبال اعتراض‌های سراسری آبان ۱۳۹۸، عفو بین‌الملل اعلام کرد تا ۲۵
آذر، می‌تواند کشته شدن ۳۰۴ نفر را تایید می‌کند. خبرگزاری رویترز هم در
۲ دی، به نقل از منابعی در حکومت شمار کشته‌شدگان را ۱۵۰۰ نفر گزارش
کرد.

نیوزویک فتوشاپی با خبر کشته شدن ۲۷۰ آمریکایی

در ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸، یک پهپاد ارتش آمریکا در حمله به محوطه فرودگاه
بغداد، «قاسم سلیمانی»، فرمانده سپاه قدس و چند نفر از همراهانش را به

قتل رساند. در واکنش به این حمله، سپاه در ۱۸ دی پایگاه نظامی عین‌الاسد آمریکا را در عراق هدف حمله موشکی قرار داد.

دولت ایران در آستانه حمله، دولت عراق را در جریان قرار داده بود و ارتش آمریکا، اندکی قبل از اصابت موشک‌ها از حمله اطلاع داشت. در نتیجه، نیروهای مستقر در عین‌الاسد پیش از موشک‌باران به پناهگاه رفته بودند و این حمله تلفات جانی بر جای نگذاشت، اگرچه تعدادی از نیروهای آمریکایی دچار موج‌گرفتگی ناشی از انفجار شدند. تعداد این نیروها، در ابتدا ۱۱ نفر اعلام شد اما این تعداد به تدریج افزایش یافت و در ۲۱ بهمن، پنتاگون مجموع آن‌ها را ۱۰۹ نفر اعلام کرد.

رسانه‌های رسمی ایران اما مدعی «کشته شدن» ده‌ها نیروی آمریکایی در جریان حمله موشکی سپاه شدند. تبلیغات رسانه‌های جمهوری اسلامی بر این ادعا استوار بود که گویی تعداد زیادی از سربازان آمریکایی کشته شده‌اند ولی خانواده‌هایشان در مورد آن‌ها با رسانه‌ها صحبت نمی‌کنند.

در همان روز انجام حمله، خبرگزاری فارس، به نقل از «یک مقام آگاه در سازمان اطلاعات سپاه» نوشت: «مطابق گزارش‌های دقیق منابع ما در منطقه

تا این لحظه دست کم ۸۰ نظامی آمریکایی کشته و حدود ۲۰۰ نفر زخمی شده‌اند که زخمی‌ها بلافاصله با بالگرد از این پایگاه بیرون برده شده‌اند.» این ادعا، بعدها به‌طور گسترده در دیگر رسانه‌های رسمی ایران نیز منتشر شد. در ۲۱ دی، «علی فدوی»، جانشین فرمانده کل سپاه گفت تلفات آمریکایی‌ها را می‌داند ولی نمی‌گوید: «اطلاعات فراوانی در مورد حمله ایران به پایگاه عین‌الاسد داریم، اما ترجیح می‌دهیم آمریکایی‌ها خود، به میزان خسارات وارده ناشی از حمله ایران به عین‌الاسد اعتراف کنند.»

در ۳۰ دی نیز، «محمد تولایی»، معاون راهبردی فرمانده سپاه بدون توضیح بیشتر مدعی شد در جریان حمله موشکی، «حداقل ۱۳۴ نفر کشته» و «۲۴۵ نفر زخمی» شده‌اند. او تنها فرماندهی بود که با ذکر نامش رقمی را به‌عنوان آمار تلفات نیروهای آمریکایی اعلام کرد. آماری که سپس، در تمام خبرگزاری‌های ایران به نقل از او ذکر شد.

مقام‌ها یا رسانه‌های رسمی ایران، برای اثبات ادعاهای خود در مورد تلفات نیروهای آمریکایی هیچ فیلم، عکس یا سند مکتوبی ارائه نکردند. ولی در عوض، فعالان حامی حکومت حجم قابل توجهی از مستندات جعلی (از جمله

اسناد فتوشاپی) را منتشر کردند که تمام آن‌ها، در رسانه‌های حکومتی نیز بازنشر شدند.

اما حتی پس از آن که عده‌ای از کاربران فضای مجازی نسخه واقعی نیوزویک را به اشتراک گذاشتند تا فتوشاپ صورت گرفته را نشان دهند، حامیان سپاه کوتاه نیامدند و اصرار کردند که نیوزویک لابد اول خبر کشته شدن ۲۷۰ سرباز آمریکایی را منتشر کرده، ولی بعد جمله مربوط به کشته شدن آن‌ها را حذف کرده است؛ هم‌چنین در ۲۱ دی، خبرگزاری نسیم وابسته به سپاه در گزارشی آورد: «نیوزویک در ساعات ابتدایی حمله، تعداد سربازان به هلاکت رسیده آمریکایی را حداقل ۲۷۰ نفر برآورد می‌کند، اما پس از دقایقی این قسمت از خبر حذف می‌شود.» در همان روز، روزنامه کیهان هم با ادعای حذف خبر نوشت: «نیوزویک هنوز توضیحی درباره علت حذف این خبر نداده، اما احتمالاً تحت فشار مقامات سیاسی آمریکا، تن به سانسور خبر درباره تعداد تلفات آمریکایی‌ها در عین‌الاسد داده است.»

تقریباً هم‌زمان با انتشار صفحه دستکاری شده فتوشاپ نیوزویک، مدافعان سپاه در فضای مجازی و رسانه‌های رسمی، به نقل از «توییت‌ر یک خبرنگار

اسرائیلی» مدعی شدند «یک هواپیمای ایالات متحده که آمریکایی‌های مجروح بر اثر حمله موشکی ایران به پایگاه هوایی عین‌الاسد را حمل می‌کرده، در تل‌آویو فرود آمده» و این هواپیما حامل «۲۲۴ سرباز زخمی» بوده است.

اشاره این رسانه‌ها، به توییت ساختگی منتشرشده در حساب کاربری منسوب به «جک خوری»، خبرنگار اسرائیلی بود. این در حالی بود که جک خوری پیش از یک ماه قبل از حمله موشکی به عین‌الاسد، یعنی در اوایل آذر ۱۳۹۸، به صراحت اعلام کرده بود که «این اکانت ساختگی است و او هیچ‌گاه از آن استفاده نکرده».

۱۸ دی، پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمایی بین‌المللی اوکراین که از تهران راهی کی‌یف بود، اندکی پس از برخاستن از «فرودگاه بین‌المللی امام خمینی»، سقوط کرد و همه ۱۷۶ سرنشین آن جان باختند. به دنبال این واقعه، مقام‌های آمریکا و سپس بریتانیا، استرالیا و کانادا اعلام کردند که «بویینگ ۷۳۷» اوکراینی با شلیک موشکی ایرانی سرنگون شده است.

روزنامه «نیویورک تایمز» نیز با بررسی فیلم منتشر شده در شبکه‌های مجازی از لحظه هدف قرار گرفتن هواپیمای اصالت فیلم و اصابت موشک به هواپیمای اوکراینی را مورد تاکید قرار داد.

اما روایت رسانه‌های رسمی ایران و حامیان حکومت در شبکه‌های مجازی، چیز دیگری بود. آن‌ها مجموعه گسترده‌ای از توجیحات در اثبات غیرممکن بودن اصابت موشک به هواپیمای اوکراینی را مطرح کردند و روزنامه‌نگارانی که عقیده متفاوتی داشتند را «خائن» به کشور دانستند. موضع‌گیری‌های آن‌ها، مبتنی بر ادعاهای متعدد مقامات رسمی جمهوری اسلامی بود.

ساعاتی پس از سقوط پرواز شماره ۷۵۲، «ابوالفضل شکارچی»، سخن‌گوی ارشد نیروهای مسلح گفت: «در حوزه جنگ روانی، امروز آمریکایی‌ها تبلیغ کردند که هواپیمای اوکراینی مورد اصابت قرار گرفته است که حرف مضحکی است.»

او نظرات در مورد اصابت موشک به هواپیمای اوکراینی را «شایعه» دانست و آن‌ها را «کاملاً دروغ محض» عنوان کرد و افزود: «قطعا این موضوع توسط خط نفاق به نفع آمریکایی‌ها دنبال می‌شود.»

روز بعد، «علی ربیعی»، سخن‌گوی دولت خبر ساقط شدن هواپیما با موشک را یک «روش کاملاً حساب شده و شناخته شده در عملیات روانی» دانست و پیش‌بینی کرد: «در آینده که مشخص شد این ادعای دروغ‌کاری از حقیقت است، هیچ‌کس مسوولیت این دروغ بزرگ را برعهده نخواهد گرفت.»

ربیعی ادامه داد: «متأسفم که سیستم عملیات روانی دولت آمریکا و همراهان آگاه و ناآگاه آن‌ها با این دروغ پردازی‌ها، بر زخم‌های جانکاه خانواده‌های داغ‌دار نمک می‌پاشند.»

قابل توجه بود که حتی در روز ۲۱ دی، یعنی همان روزی که حکومت ایران در نهایت قبول کرد هواپیمای اوکراینی با شلیک موشک سپاه سرنگون شده است، بعضی از روزنامه‌های ایران هم‌چنان در حال انتشار نظریه‌های توطئه در مورد ماجرا بودند؛ مثلاً تحلیل روزنامه «قدس» از این قرار بود: «یک روز پس از سقوط هواپیمای ۷۳۷ اوکراین در تهران، ارزش سهام شرکت هواپیماسازی بویینگ در وال‌استریت آمریکا بیش از چهار میلیارد دلار سقوط کرد تا دلیل برجسته‌سازی نقش موشک در سقوط از سوی رسانه‌های غربی آشکارتر شود.»

ارگان آستان قدس رضوی نوشت: «آن طور که تحلیل‌گران معتقدند، با شعبده دروغ سقوط هواپیمای اوکراینی به دلیل اصابت موشک ایران، هم رسوایی ترامپ در عراق برای چند روزی تحت‌الشعاع قرار گرفت و هم بویینگ از ورشکستگی نجات یافت.»

دروغ‌های ابراهیم رئیسی و وزرایش

معاون وزیر امور خارجه دولت رئیسی گفته: در یکی از کشورها مردم به علت تزریق واکسن آمریکایی فایزر سرطان خون گرفتند؛ جمهوری اسلامی هم برای آن‌ها داروی سرطان خون صادر کرد!

مهدی صفری معاون اقتصادی وزیر امور خارجه در ویدئویی گفت: در یکی از کشورهای آمریکای لاتین تعداد زیادی از مردم به علت تزریق زیاد واکسن فایزر سرطان خون گرفتن و عجیب سرطان خون آن‌جا رشد کرده؛ ما هم چون داروهای سرطانی خوبی داریم قراره به اندازه ۱۰۰ میلیون دلار به این کشور داروی سرطان خون صادر کنیم. البته من آینده خودمون را در آفریقا می‌بینم...

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در تازه‌ترین گزارش خود به تاریخ ۱۲ شهریور ۱۴۰۲، از رشد ۶۱ درصدی بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی در سال ۱۴۰۱ نسبت به شهریور ۱۴۰۰ خبر داده است.

بر اساس این گزارش که روز یکشنبه ۱۲ شهریور منتشر شد، بدهی‌های دولت در بازه زمانی یاد شده با رشدی ۳۰ درصدی به یک‌هزار و ۲۴۸ تریلیون تومان و بدهی شرکت‌های دولتی با رشدی ۹۰ درصدی به یک‌هزار و ۸۹۱ تریلیون تومان اوج گرفته است.

مجموع بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی تا پایان پارسال حدود سه هزار و ۱۳۸ تریلیون تومان برآورد شده که معادل حدود ۲۹ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران است.

البته این گزارش تصریح کرده است که درباره برخی اقلام مورد ادعای طلب‌کاران اختلافاتی وجود دارد و این موارد در خزانه‌داری کل کشور ثبت نشده است. چنان‌چه این ارقام در نظر گرفته شوند، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.

اما گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس از رشد بدهی‌های دولت پس از آن منتشر می‌شود که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، روز هشتم شهریورماه ضمن «تمجید» از عملکرد دولت ابراهیم رئیسی ادعا کرده بود که «تعداد قابل توجهی از شاخص‌های اقتصاد کلان، رشد و پیشرفت را نشان می‌دهد.»

صندوق بین‌المللی پول نسبت بدهی دولت ایران به تولید ناخالص داخلی را برای سال ۱۴۰۱ حدود ۳۴ درصد، یا ۱۲۰ میلیارد دلار، ارزیابی کرده است. این گزارش که اردیبهشت امسال منتشر شد، می‌افزاید بدهی دولت ایران طی دو سال گذشته از ۴۹ میلیارد دلار به ۱۲۰ میلیارد دلار اوج گرفته است؛ به عبارتی از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ بدهی دولت بیش از دو برابر شده است. ثبت چنین جهشی در بدهی‌های دولت در شرایطی است که ابراهیم رئیسی، در زمان انتخابات ریاست جمهوری وعده داده بود که جلو استقراض دولت را بگیرد تا با کنترل نقدینگی، تورم را مهار کند.

او همچنین به تازگی مدعی شده بود: «همه شاخص‌های اقتصادی کشور در مسیر رشد است»، در حالی که آمار اخیراً منتشر شده نشان می‌دهد میزان بدهی‌های دولت به بیش از ۳.۱ هزار تریلیون تومان رسیده است.

طی سال‌های گذشته، دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی با بیش‌برآورد درآمدهای نفتی در لایحه بودجه و عدم تحقق آن، مجبور به استقراض گسترده از نهادهای مالی، از جمله بانک مرکزی و دیگر بانک‌های کشور، صندوق توسعه ملی و غیره شده‌اند.

مهدی غضنفری، رئیس صندوق توسعه ملی ایران، اردیبهشت امسال گفته بود که ۶۷ درصد از منابع ۱۵۰ میلیارد دلاری صندوق توسعه ملی توسط دولت‌ها برداشت شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، همچنین مرداد امسال گزارشی داده بود که متوسط برداشت ماهانه دولت‌ها از صندوق توسعه ملی در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد حدود ۴۵۳ میلیون دلار، در دوران حسن

روحانی ۷۰۰ میلیون دلار و در دوران ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی ۱/۱ میلیارد دلار بوده است.

نتیجه چنین استقراض گسترده و فزاینده‌ای، وادار شدن بانک مرکزی از طرف دولت برای چاپ اسکناس بدون پشتوانه شده که آن نیز به جهش نقدینگی و به تبع آن، تورم افسارگسیخته در کشور دامن زده است.

بر اساس برآورد بانک جهانی تورم پارسال ایران ۴۹ درصد بوده و رشد قیمت اقلام خوراکی در ایران بعد از ونزوئلا، لبنان، زیمبابوه و آرژانتین، بیشترین میزان در جهان است.

اما ابراهیم رئیسی، مدعی است از زمانی که او رئیس‌جمهور شده، کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی کشور بدون چاپ پول یا استقراض از بانک مرکزی برطرف شده است؛ این در حالی است که مرکز پژوهش‌های مجلس در جدیدترین گزارش از وضعیت بدهی‌های دولت اعلام کرده حجم این بدهی‌ها طی یک سال ۶۱ درصد رشد کرده است.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، هم‌چنین صراحتاً اعلام شده که نسبت بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی در انتهای پاییز ۱۴۰۱ به ۳۰/۰۶ درصد رسیده است.

رسانه‌های داخل کشور گزارش می‌دهند که دلیل افزایش بدهی شرکت‌های دولتی به بانک‌ها به‌خصوص در یک سال مورد اشاره^۱ ابراهیم رئیسی که مدعی شده استقراضی صورت نگرفته این است که شرکت‌های دولتی به‌عنوان یک واسطه بین دولت و شبکه^۲ بانکی عمل کرده‌اند، به‌طوری که شرکت‌ها وجوه نقد را از بانک‌ها قرض گرفته و به دولت قرض داده‌اند. (منبع: تجارت نیوز)

این فرآیند بانک‌ها را هم دچار کمبود منابع کرده است، به‌طوری که میزان ذخایر قانونی برخی بانک‌ها به خط قرمز سقوط کرده است. استقراض دولت از بانک‌ها باعث اضافه برداشت بانک‌ها از ذخایر قانونی خود نزد بانک مرکزی شده و بدهی آن‌ها را به بانک مرکزی به‌شدت افزایش داده است.

بانک مرکزی تیرماه امسال در گزارشی اعلام کرد که میزان بدهی بانک‌های تخصصی به بانک مرکزی طی یک سال گذشته به ۵۱/۴ هزار میلیارد تومان رسیده که ۱۰/۷ درصد نسبت سال گذشته بیشتر است. همزمان کمیسیون اقتصادی مجلس هم اعلام کرد که میزان بدهی دولت به بانک‌ها در مدت یادشده با رشد ۶۲/۴ درصدی به بیش از ۶۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. استقرار دولت از بانک‌ها و فشار به آن‌ها برای پوشش کسری بودجه دولت میزان «چاپ پول» را در اقتصاد ایران تشدید کرده است. چاپ پول که با شاخص پایه پولی سنجیده می‌شود، در سال‌های اخیر به دلیل کسری بودجه دولت‌ها با شتاب پیش‌تری انجام شده است.

همزمان با افزایش بدهی‌های دولت، چاپ پول بدون پشتوانه که اصطلاحاً «پول داغ» نامیده می‌شود نیز افزایش یافته که ماحصل آن تورم بیش از ۶۰ درصدی در ماه‌های اخیر است.

محاسبات نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ درصد از پایه پولی سال‌های اخیر ناشی از بدهی دولت به بانک‌هاست. پایه پولی منشا اصلی تورم‌های دورقمی در ایران است.

با وجود این که در سال‌های اخیر اوراق قرضه دولتی با هدف کاهش بدهی‌های دولت انتشار یافته، اما این اوراق به دلیل کمرونق بودن بورس چندان مورد استقبال قرار نگرفته است.

کسری بودجه شاید مهم‌ترین بخش از بدهی‌های دولت باشد. به گفته رحیم ممبینی، میزان کسری بودجه امسال دولت ۷۹۴ هزار میلیارد تومان است. کسری بودجه سال گذشته رقمی در حدود ۳۰۴ هزار میلیارد تومان گزارش شده بود. دخل و خرج دولت امسال رقمی در حدود پنج میلیون میلیارد تومان برآورد شده است؛ عددی که خواندن آن هم دیگر کار هر کسی نیست.

در حالی که بانک مرکزی و مرکز آمار ایران برای دومین ماه متوالی از انتشار آمارهای مربوط به تورم خودداری می‌کنند، یک منبع آگاه در بانک مرکزی می‌گوید افزایش قیمت کالاها و خدمات در فروردین امسال نسبت به ماه مشابه پارسال نزدیک به ۷۰ درصد است.

سایت «اکو ایران» روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت از قول این منبع بانک مرکزی خبر داد که نرخ تورم فروردین‌ماه «۶۸.۷ درصد است؛ نرخی که تنها

یک قدم تا تورم ۷۰ درصدی فاصله دارد و بیشترین نرخ تورم در ۳۰ سال اخیر است.»

بانک مرکزی ایران نیز از بهمن ماه سال گذشته، انتشار آمارهای تورم را متوقف کرده و مرکز آمار ایران برخلاف رویه سابق، تنها آمارهای نرخ رشد قیمت کالاها و خدمات نسبت به ماه قبل از آن را منتشر می کند و هیچ آماری درباره تورم هر ماه نسبت به ماه مشابه پارسال ارائه نمی دهد.

ایران تنها پس از چند کشور انگشت شمار مانند ونزوئلا، سودان، آرژانتین، سورینام و زیمبابوه بالاترین نرخ تورم در جهان را دارد.

دروغهای وزیر اطلاعات دولت ابراهیم رئیسی

اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در یک گفت و گوی تلویزیونی مدعی خنثی سازی «۴۰۰ عملیات بمب گذاری» شد. او گفته: «بیش از ۴۰ بمب قرار بود در هیات های مذهبی در محرم منفجر شود.»

او در اظهارات خود به «۲۰۰ رسانه» و «۵۰ سرویس اطلاعاتی» اشاره کرده است و مدعی شده: «نزدیک مرز ما کارخانه اسلحه سازی ایجاد کردند و

سلاح های تولید شده به ایران قاچاق می شد.»

وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در آبان ماه پارسال در بیانیه‌ای مشترک، بدون ارائه مستندات، اعتراض‌های سراسری را به سازمان‌های اطلاعاتی خارجی نسبت دادند و ادعاهایی درباره توییت‌ها، اینستاگرام و همچنین اینترنت ماهواره‌ای استارلینک مطرح کردند.

در این بیانیه، روزنامه‌نگاران ایرانی که برای تهیه گزارش درباره کشته شدن مهسا امینی یا تشییع جنازه او مطالبی منتشر کرده بودند، «وابسته» و «آموزش‌دیده سرویس‌های اطلاعاتی» معرفی شده بودند.

هدف جنبش «زن، زندگی، آزادی»، برهنگی زنان است!

جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی»، قدرت و توانایی زیر و رو کننده خود را نشان داده است و در اولین گام‌های خود، پایه‌ها و ستون‌های جمهوری اسلامی را سست‌تر کرده است. طرح عفاف و حجاب را در مجلس شورای اسلامی ارائه کردند ولی عجز خود را در مقابل جنبش انقلابی به رهبری زنان و جوانان در جامعه به نمایش گذاشتند. ورود جانیانی مانند لاریجانی، به موضوع حجاب تنها حاکی از گستردگی این اعتراض اجتماعی نیست بلکه نشان‌دهنده وحشت حکومت این انقلاب است.

محمدجواد لاریجانی، «رییس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی»، در واکنش به حضور چشم‌گیر زنان بی‌حجاب در اماکن عمومی گفت: «همه در معرض تهاجم هستیم.» او افزود: «حتی اگر خانمی برهنه پشت پنجره خانه‌اش باشد، کسی که در خیابان دیده می‌تواند به پلیس زنگ بزند و اطلاع بدهد.» خسرو پناه رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی، گفت: «فردی که کشف حجاب کرده مجرم است و باید او را دستگیر کنند ولی با توجه به‌شمار بالای مجرمین اجرای آن امکان‌پذیر نیست.»

دهن کجی زنان و جوانان و مردم آزاده سراسر ایران، به تمامی سیاست‌ها و اهداف و ایدئولوژی و قوانین اسلامی، در تمامی سطوح جامعه است. همبستگی تمامی اعتراضات اجتماعی، چه در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، محیط زیستی، دانشگاهی و چه در زمینه اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان در جهت پیروزی انقلاب است.

هم‌زمان با شدت گرفتن اعتراض‌ها، امامان جمعه منصوب علی‌خامنه‌ای نیز بخش مهمی از خطبه‌های نماز جمعه روز ۱۷ تیر ۱۴۰۱ خود را به ضرورت برخورد شدیدتر با «بدحجابان» اختصاص دادند.

سید نصیر حسینی، امام جمعه یاسوج در خطبه‌های امروز گفت: «زن‌های بد پوشش همه را تحریک می‌کنند و یکی از دلایل طلاق‌ها در جامعه همین پوشش‌ها هستند.»

این روحانی منصوب علی خامنه‌ای تاکید کرد که زنان «بدحجاب» باید «هزینه سنگینی را پردازند تا دست از چنین کارهایی بردارند.»

امام جمعه یاسوج، هم‌چنین گفت: «چرا باید زنان پاها و ساق پای خود را برهنه کنند دشمن هم به دنبال همین است.»

این روحانی با استفاده از تکنیک دروغ بزرگ هیتلری، بدون ارایه هیچ مستندی مدعی شد: «دشمن جنگ نظامی و موشکی را کنار گذاشته و به دنبال رواج فساد و فحشا در کشور است.»

همان روز، احمد خاتمی، امام جمعه تهران نیز در اظهاراتی توهین‌آمیز مدعی شد که بسیاری از بی‌حجاب‌ها، زن‌ها و بچه‌های دزدها هستند.

او با استناد به سخنان روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، افزود: «مقام زن این نیست که بزک کرده و با سر باز به خیابان بیاید، این مقام زن نیست بلکه عروسک‌بازی است.»

شدت گرفتن اظهارات و فعالیت‌های مقامات جمهوری اسلامی ایران در آستانه روز ۲۱ تیر انجام می‌شود که از سوی جمهوری اسلامی با عنوان روز «حجاب و عفاف» نام‌گذاری شده است.

در مقابل این فشارها، گروهی از زنان نیز با هشتگ «#حجاب_بی_حجاب» اعلام کرده‌اند روز ۲۱ تیر بدون حجاب به خیابان خواهند آمد.

شبکه حکومتی رویداد ۲۴، ۱ آبان ۱۴۰۱ نوشت: نماینده تهران معتقد است اعتراضات مردم برنامه دشمن بوده است. او می‌گوید: نظام و صدا و سیما باید افشاگری کنند و اعترافات دستگیرشدگان را عمومی کنند تا همه با حقایق آشنا شوند.

سیدمصطفی میرسلیم، چهره مطرح جریان اصول‌گرایی درباره شرایط موجود و لزوم پایبندی به قوانینی مثل حجاب اجباری می‌گوید: نظام جمهوری اسلامی ایران، دارای قانون اساسی و احکام شرعی است که باید به آن عمل کرد. باید قانون را محترم شمرد، وگرنه زیرآب نظام زده می‌شود. نباید چیزی که جزو احکام اسلام است را زیر پا گذاشت، پس ضرورت دارد که هم در

این راستا، مراعات لازم صورت بگیرد و هم در اجرا، دقت نظر داشت. دستگاه‌های مختلف کشور در موضوع حجاب، وظایف مختلف دارند. برخی کارشان فرهنگی و بعضی از آن‌ها، ارشادی و انتظامی است و وجود گشت ارشاد هم، مبنای قانونی داشت.

این نماینده تهران، مدعی شد: «بنده در چند ماه پیش و در چند مورد، آن هم پیش از شکل‌گیری ناآرامی‌ها، افرادی را در خیابان دیدم که لخت مادرزاد بودند. این اتفاقات نشان می‌داد که دشمنان نظام برای ضربه زدن به حاکمیت، برنامه داشتند، زیرا ریشه انقلاب اسلامی، فرهنگی و معنوی است.»

این عضو حزب موتلفه اسلامی، در ادامه دروغ‌های بزرگ و ادعاهایش می‌گوید: «دشمنان نظام دریافتند که با پافشاری بر مسائل اقتصادی، کارشان خوب پیش نمی‌رود. از طرفی، تاکید بر مسائل نظامی هم برای آن‌ها جواب مطلوب نداد، چون سابقه هشت سال جنگ تحمیلی را دیدند. از این‌رو، رفتند و فکر کردند و براساس مطالعات دقیق به این رسیدند که به مسائل فرهنگی و معنوی ما ورود پیدا کنند. بالغ بر صدها موسسه تحقیقاتی درباره شناخت اسلام، ایران و جمهوری اسلامی تاسیس کردند.»

او تایید کرد: «نظام و صدا و سیما باید افشاگری کنند. باید اعترافات دستگیرشدگان را عمومی کرد تا همه با حقایق آشنا شوند، هرچند افراد مشغول چنین کاری هستند، اما این جا هم یک رودست از دشمنان خوردیم و حال باید مسیر خشتی سازی را دنبال کنیم. به این معنا که در فهماندن چگونگی ظهور انقلاب اسلامی و مبنای آن، تلاش شود و بگوییم چه باید کرد تا این نظام، پابرجا بماند. این کار نباید با اقدامات زورکی صورت بگیرد، بلکه باید جنبه تفهیمی داشته باشد. بگوییم پاکی و طهارت به نفع همه است و حال اگر کسی خواست به صورت ناپاک و ناسالم زندگی کند، خود به خود از جامعه طرد می شود. این مسئله به ویژه برای نسل جوان ما که الان پا در عرصه گذاشته و جریانات قبل از انقلاب را ندیده، ضرورت دارد.»

ایسنا، ۲۹ مهر ۱۴۰۱ نوشت: «حجت الاسلام و المسلمین موسوی فرد گفت: «کل شرکت کنندگان در اغتشاشات در سراسر کشور فقط ۹۰ هزار نفر هستند که می گوییم مقداری بیش تر است که نسبت به جمعیت ۹۰ میلیون نفری ایران، دو دهم درصد است. یکی از مسائل موجود مغالطه دشمن است. در

خصوص تحلیل آماری دستگیرشدگان؛ ۹۵ درصد این افراد مجرد بودند، ۸۰ درصد فرزندان طلاق یا مطلقه بودند، ۵۰ درصد سابقه اعتیاد به مواد مخدر و الکل داشتند و انگیزه این‌ها ۶۵ درصد هیجانی است. هم‌چنین ۸۰ درصد از این افراد دیپلمه و ۲۰ درصد بالای دیپلم بودند. ۶۰ درصد این افراد، ۱۵ تا ۲۰ ساله، ۲۰ درصد ۲۰ تا ۳۰ ساله و ۲۰ درصد بالاتر از ۳۰ سال. هم‌چنین جنسیت آن‌ها ۸۵ درصد مرد و ۱۵ درصد زن هستند. فقط ۱۵ درصد زن بودند چه می‌شود که این‌قدر مرد دنبال برهنگی زن است. جالب این است که برداشت دستگیرشدگان از ایران این است که کشوری مخروبه است. من چندین بار گفتم اقداماتی که اخیراً حداقل در خوزستان انجام شده مرتباً این‌ها را بگویند تا نسل جدید ببیند. ۲۵ درصد آن‌ها به خاطر اشتغال و بیکاری و ۱۰ درصد به خاطر حجاب آمده بودند. ۸۰ تا ۸۵ درصد مردم قائل به حجاب هستند اما حجاب که می‌گوییم شال هم حجاب است. مجدداً آمار گرفته شده بود و اخیراً هم نظرسنجی شد حدود ۸۰ و خرده‌ای درصد از مردم قائل به حجاب هستند؛ برخی از این‌ها نه تنها همت و باکری حتی اسم حاج قاسم را نمی‌شناسند.

در حالی که به گفته رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، بیش از هشتاد هزار نفر در اعتراض‌های سال گذشته دستگیر شده بودند با این وجود، امام جمعه اهواز مدعی است که در این اعتراض‌ها در سراسر ایران، فقط ۹۰ هزار شرکت کرده بودند. کدام یکی از این آیت‌الله‌های حکومتی، راست و کدام یک دروغ می‌گوید؟!

خبرگزاری «فرارو»، ۱۵ اسفند ۱۴۰۱، نوشت:

«هم‌زمان با فرا رسیدن ایام دهه فجر و چهل‌وچهارمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و اعیاد ماه رجب، رهبر انقلاب اسلامی در پی درخواست رئیس قوه قضاییه، با بخشودگی و عفو تعدادی از متهمان و محکومان اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ موافقت کردند...»

«رسانه KHAMENEI.IR» برای بررسی دقیق‌تر زمینه‌ها، پیامدها، جزئیات و فرایندهای منجر به این عفو و بخشودگی، به گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه پرداخته است.

گزارشی که تا الان دادند، تعداد کسانی که مشمول عفو شدند، اعم از دستگیرشدگان اغتشاشات و غیر اغتشاشات، اعم از آن‌هایی که حکم‌شان تقلیل پیدا کرده و تخفیف گرفتند از مرز هشتاد هزار نفر گذشته است؛ یعنی تا الان بیش از هشتاد هزار مشمول این عفو واقعا به‌نظر بنده پرخیر و برکت رهبر انقلاب قرار گرفته‌اند. پیش‌بینی این است که با آن قسمتی که رضایت شاکی را می‌گیرند تا نود هزار نفر هم شامل عفو بشوند؛ حتی ممکن است به بالاتر از نود هزار هم برسد.»

خبرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران، ۱۵ مهر ۱۴۰۱، نوشت، آیت‌الله دولابی تصریح کرد: «در انگلستان بیش از ۱۰ هزار نفر هستند که قبول کرده‌اند حیوان هستند و به گردن آن‌ها قلاده آویزان می‌کنند. به‌غیر از این موارد بسیاری از نفرات در دنیا ظاهرا انسان هستند ولی خوی حیوانی و وحشی‌گری دارند.»

نماینده مردم زنجان در مجلس خبرگان رهبری، خواستار بررسی عوامل پنهان موضوع اغتشاشات اخیر در کشور شد.

آیت الله محمد حاجی ابوالقاسم دولابی شامگاه پنج‌شنبه در جلسه تفسیر قرآن در مسجد امام حسین(ع) سعدی شمالی کتاب قرآن را یک منبعی برای هدایت و مختص تمام زمان‌ها دانست و اظهار داشت: «پیامبر گرامی(ص) می‌فرمایند اگر فتنه‌ها به سمت شما روی آورد به قرآن و دستورات الهی پناه ببرید.»

او با اشاره به تفسیر آیه ۵ سوره قصص «وَأُتِرِدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» گفت: «خداوند در قرآن کریم وعده داده است که روزی مستضعفان در زمین حاکم خواهند شد؛ به عبارتی پابرهنگان و نیازمندان و کسانی که از نظر اقتصادی رده پایین‌تری دارند بر زمین حاکم خواهند شد و در مقابل مستکبرین، ظالمان و زورگویان به زیر کشیده خواهند شد.»

دولابی، در ادامه ادعاهایش به دوران غیبت امام زمان اشاره کرد و گفت: «ائمه اطهار وعده داده بودند که دوره غیبت امام زمان(عج) به قدری طولانی خواهد شد که حتی کسانی که به غیبت اعتقاد داشتند دچار تردید شوند. روایت دیگری از امام حسن عسگری(ع) داریم که تا ظهور آقا امام زمان(عج)

همه گروه‌ها به جز یک گروه به هلاکت خواهند رسید. در این جا مراد از هلاکت، هلاکت معنوی و باطنی است یعنی این که ظاهرش ظاهر انسان است ولی از داخل تهی شده است.»

او ادعا کرد: «قدرت شیعه امروزه به حدی رسیده است که رئیس جمهور آمریکا برای ملاقات با رئیس جمهور یک کشور شیعه خالصانه درخواست ملاقات دارد؛ این‌ها تماماً الطاف الهی است چرا که راه ما راه حق است.»

عضو مجلس خبرگان رهبری، با گفتن این که دشمنان برای این که ایران را مثل خودشان حیوان کند به دنبال تغییر سبک زندگی ایرانیان هستند و خواهان ترویج برهنگی در جامعه هستند، گفت: «بر همگان روشن شد که هدف دشمنان در روزهای اخیر به خطر مسئله فوت خانم مهسا امینی نبود؛ در افغانستان ده‌ها خانم کشته شدند چرا برای آمریکایی‌ها مهم نبود؟»

او در ادامه ادعاهایش افزود: «مشخص است که مطالبه این نوجوانان چیست. مطالبه این نفرات حیوانی است. مطالبه برهنگی زن و شهوت‌رانی در جامعه که مطالبه انسانی نیست. باید بررسی کنیم که چه شده است که این نفرات

به این مطالبه دست پیدا می‌کنند. مسئولان کشور باید به موازین حجاب و عفاف و ازدواج اهمیت بدهند.»

او در پایان یک دورغ بزرگ را نیز مطرح کرد و گفت: «ولی مشاهده کردیم که ۳ میلیون نفر در تهران اقدامات اغتشاشگران را محکوم کردند و اکثر ملت طرفدار نظام هستند. کسانی هم که در اغتشاشات اخیر به شهادت رسیدند قطعا از یاران واقعی امام زمان (عج) هستند و آرزو دارم که این شهدا با ائمه اظهار(ع) همنشین شوند.»

رحیم پورازغدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۲ اسفند ۱۴۰۱، گفت: «خداوند از بدن زن انسان دیگری را خلق می‌کند و به همین دلیل حرمت بدن زن از بدن مرد بیش‌تر است، افزود: کسانی که می‌خواهند زن را برهنه کنند، انسانیت را نشانه گرفته‌اند.»

رحیم پور ازغدی گفت: «محال است امام زمان (عج) جامعه‌ای بسازد که هیچ کس در آن خلافت نکند و همه انسان‌ها معصوم شوند. امام زمان می‌خواهد

با قدرت عدالت را در برقرار کند؛ اما قدرت‌های فاسد به جنگ امام می‌آیند و حتی امام را هم شهید می‌کنند.»

رحیم‌پور از غدی با گفتن این که در منابع شیعی و اهل سنت ۶ هزار حدیث در مورد امام زمان وجود دارد و آینده جهان از آن عدالت است و قدرت‌های فاسد سرنگون می‌شوند، ادعا کرد: «برخی‌ها می‌گویند بگذارید جمهوری اسلامی از بین برود چون اشکالاتی دارد اما سؤال این است که حکومتی بعدی اگر بیاید آیا این اشکالات را برطرف می‌کند یا وضع برطرف می‌شود؟ امام خمینی می‌گوید باید مراقب باشیم که جمهوری اسلامی فاسد نشود چون اگر اجازه دهیم جمهوری اسلامی از بین برود شاید تا ظهور امام زمان اسلام نتواند سرش را بلند کند.»

خاتمی، امام جمعه تهران، بی‌شرمانه گفته بود: «خیلی از این بی‌حجاب‌ها زن و بچه همین دزدها و اختلاس‌گرها هستند!»

آیت‌الله سید احمد خاتمی، عضو فقهای شورای نگهبان و امام جمعه تهران،
در خطبه‌های ۱۷ تیر ۱۴۰۱، تعبیر و توصیف زشت و زنده‌ای در باره زنان
شل حجاب یا بی‌حجاب داشت که تنها زینده خود و حکومت‌شان بود.



روایت تکان‌دهنده زنان زندانی سیاسی از اجبار به برهنه شدن شماری از زنان زندانی محبوس شده در زندان‌های جمهوری اسلامی، روایت‌های تکان‌دهنده‌ای را از اجبار به برهنه شدن در زمان بازداشت یا بازجویی در زندان و در مقابل دوربین‌های امنیتی منتشر کرده‌اند. مژگان کشاورز، نسیمه شمسایی، زینب زمان، مهناز افشار و شاپرک شجری زاده از جمله زنان زندانی شده در ایران هستند که تاکنون روایت‌های خود را در شبکه‌های اجتماعی بیان کرده‌اند. مژگان کشاورز، فعال حقوق زنان، روز یکشنبه ۷ خرداد روایت خود را در صفحه توئیتر «می تو ایران» منتشر و فاش کرد مقامات زندان او را مجبور کرده‌اند کاملاً برهنه شود و با «پای باز»، «بنشین و پا شو» کند تا از او عکس بگیرند.

به نوشته خانم کشاورز: «گفتند باید لخت بشوی تا از تمام بدنت عکس بگیریم که اگر از این جا خارج شدی نگویی من را شکنجه کردند.»

بر اساس این روایت، خانم کشاورز گفته «خجالت می کشیدم» و «دستانم را جلو اندام خصوصی ام می گذاشتم» اما «مأمور فریاد می زد: رو به من بایست و دست هایت را بردار؛ حالا بشین و پا شو کن با پاهای باز.»

مژگان کشاورز با بیان این که ماموران پس از بازداشت او را به «وزرا» یعنی «همان جایی که مهسا امینی کشته شد» برده اند، گفته که در آن جا «عریان مقابل دوربین های امنیتی حس تجاوز و ترس» به او دست داده است.

زینب زمان، دیگر فعال مدنی که چندی پیش بازداشت شده بود، ضمن بیان روایت مشابهی گفته است که پس از دستگیری، یک بار در ساختمان بازداشتگاه و بار دیگر در دادسرا، ماموران او را مجبور کرده اند که کاملاً لخت شود.

او گفته است: «مزخرف ترین، بی منطق ترین و احمقانه ترین دلیل برای عادی سازی رنج دیگران، اینه که بگی همه جا همینه! هر جا رنجی به انسانی تحمیل می شه، غلطه، غیر انسانیه، کتافته، جنایته.»

مهناز افشار، بازیگر ایرانی هم در توئیترش گفته زمانی که در ایران بود بعد از انتشار یک ویدیو از دختری که «بدون لباس» با شوخی وانمود می کرده

مهنراز افشار است، او را برای «تطبیق بدن» با آن زن به اداره آگاهی فرستادند و در آن جا یک مامور زن به او گفت «لخت شو» و از او عکس گرفته است. نسبیبه شمسایی، زندانی سیاسی سابق هم با اشاره به دوران بازداشت خود نوشته که او را هم در بند دو-الف سپاه در زندان اوین و هم در زندان قرچک مجبور کردند در مقابل دوربین به صورت کامل برهنه شده و «بنشین و پاشو برود.»

شاپرک شجری زاده، از دختران خیابان انقلاب نیز روایت مشابهی را بیان کرده و گفته او هم «این تجربه وحشتناک» را داشته و وقتی سعی کرده «اندام جنسی و سینه‌های» خود را بپوشاند، «مامور با لحن تندی گفت دستت را بردار و حالا بنشین و پا شو.»

روز چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۲، یک فایل صوتی از نازیلا معروفیان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که او در آن از «تعرض جنسی» ماموران در جریان بازداشت اخیرش خبر داده است. ظاهراً این فایل صوتی بخشی از یک تماس تلفنی با نازیلا معروفیان در داخل زندان بوده است.

او در این فایل صوتی می‌گوید در حالی که حالش بد بوده به او «تعرض جنسی» شده است. انتشار این فایل صوتی واکنش‌های بسیاری را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت.

پیش از این هم گزارش‌هایی درباره آزار جنسی، تعرض و تجاوز به شماری از معترضان بازداشت‌شده در جریان خیزش انقلابی ایرانیان و دیگر مخالفان جمهوری اسلامی منتشر شده بود.

روزنامه گاردین ۱۷ بهمن سال گذشته گزارشی در این زمینه منتشر کرد و به نقل از ۱۱ معترض زن و مرد نوشت که آن‌ها در زمان بازداشت از سوی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی مورد «تجاوز جنسی، خشونت جنسی، ضرب و شتم و شکنجه» قرار گرفته‌اند.

پیش از آن و در آذر ماه هم روزنامه نیویورک تایمز با انتشار گزارشی خبر داده بود ماموران امنیتی حکومت به صورت «سازماندهی شده» از «تجاوز» برای ساکت کردن زنان معترض استفاده می‌کنند.

مسلمانان زنان و مردان حق طبیعی‌شان است که هر لباسی با هر مدلی و رنگی دوست دارند بپوشند و یا نپوشند. البته گروه‌های بسیار کوچک و چند نفره مانند «فمن»ها، که به‌عنوان اعتراض لخت می‌شوند بحث دیگری است. زنان ایران در طول مبارزه خود، همواره آزادی می‌خواهند: آزادی بیان و اندیشه، آزادی سیاسی و تشکلیابی، آزادی سفر، آزادی کار و... می‌خواهند در حالی که خامنه‌ای، امام جمعه‌ها، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، قوه مقننه، قوه قضاییه، قوه مجریه، فرماندهان سپاه و بسیج، نیروهای امنیتی، همه و همه یک صدا و طوطی‌واری تکرار می‌کنند که زنان می‌خواهند لخب بشوند و این هم توطئه آمریکا و اسرائیل و غرب علیه جمهوری اسلامی ایران است.

اقرار احمد توکلی به دروغ‌گویی در جمهوری اسلامی

احمد توکلی پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، سمت‌های مختلفی داشت: او رئیس شهربانی، رئیس کمیته انقلاب اسلامی و دادیار و دادستان انقلاب بهشهر بود. در آن زمان بهشهر به جهت اجرای دقیق حکم قصاص و قطع دست دزد شهرت داشت. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی او

نماینده مردم بهشهر و عضو هیات رئیسه بود، در سال ۱۳۵۹ وزیر پیشنهادی
رجایی به بنی صدر بود.

توکلی در کابینه میرحسین موسوی وزیر کار و سخن گو بود، و بعد از استعفا
از سمتش، روزنامه رسالت را بنا نهاد.

در سال ۱۳۸۰ توکلی نماینده تهران بود و در مجلس هفتم، هشتم و نهم
شورای اسلامی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس نیز بود.

او در دو دوره در انتخابات ریاست جمهوری نامزد شد، و هر دو بار پس از
هاشمی رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی نفر دوم انتخابات شد.

او در انتخابات نهم ریاست جمهوری نیز از کاندیداها بود، اما به نفع محمدباقر
قالیباف کناره‌گیری کرد.

توکلی موسس و اولین مدیرمسئول وب‌گاه الف است و موسس و رئیس هیئت
مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت است. او هم‌چنین رئیس هیئت امنای مجتمع
فرهنگی و آموزشی پسرانه معلم است که در ۱۷ شهریور ماه سال ۱۳۶۹
تاسیس شده است.

احمد توکلی که خود یکی از مقامات دروغگو، ویژه‌خوار، فاسد و رانت‌خوار در جمهوری اسلامی ایران است (از اعلام نادرست تعداد فرزندان همراه در تحصیل رانتهی در بریتانیا برای گرفتن ارز بیش‌تر و گرفتن ارز برای تاسیس چاپ‌خانه در دوران خاتمی، تا گرفتن سه هزار متر زمین در سعادت‌آباد برای تاسیس مدرسه) به یک واقعیت در جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است: «چنان شده که هرچه بگوییم، مردم می‌گویند که «دروغ است»! باید بپذیریم که ما به مردم دروغ گفتیم که حالا مردم به این نتیجه رسیده و به ما می‌گویند «دروغگو». حالا عده‌ای بیایند و به درستی بگویند که همه به مردم دروغ نگفتند. ولی باید توجه داشته باشیم وقتی که جمع کثیری از مسئولان یک نظام سیاسی درباره مسائل و معضلات به مردم دروغ می‌گویند و حقیقت را پنهان می‌کنند، مردم این اقدام را به کل مسئولان آن نظام سیاسی تعمیم می‌دهند و نمی‌گویند که مثلاً فقط فلان فرد دروغ گفت و بقیه نگفتند. ما شده‌ایم چوپان دروغگو و باید بپذیریم که اعتماد مردم به ما مسئولان در قیاس با گذشته بسیار کمتر شده است.» (در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد ۲۶ مرداد ۱۳۹۹)

او این سخنان را بعد از مصاحبه تلویزیونی پرویز فتح، رئیس بنیاد مستضعفان، و ذکر بازگرداندن اموال بنیاد از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی (در مقیاس ده‌ها هزار میلیارد تومان) مطرح می‌کند، در حالی که رئیس بنیاد بعد از آن که همه نهادها و افرادی که ذکر آن‌ها رفته بود، در اختیار داشتن اموال را پذیرفتند و آن را به مجوز رهبر نسبت دادند، از آن سخنان معذرت‌خواهی کرد.

«دو سانی کردن آلت تناسلی مردان مسلمان ایرانی»

حسین روازاده، متولد ۲۶ مرداد ۱۳۳۵ در تهران است، برابر اطلاعات تارنمای سازمان نظام پزشکی، یک پزشک عمومی است. او می‌گوید که دانش‌آموخته از دانشگاه تهران است و بیماران خود را با استفاده از «طب سنتی» و «طب اسلام» درمان می‌کند. حسین روازاده مدعی است احیاگر حجامت در ایران است و هر پزشکی که در ایران حجامت انجام می‌دهد، مستقیم یا با واسطه شاگرد وی بوده است. او که مطالعاتی در زمینه طب سنتی و گیاهان دارویی دارد. بازگشت به تغذیه سنتی و اسلامی را راه رسیدن به سلامت می‌داند و وضعیت نامناسب تغذیه در ایران را به عوامل خارجی نسبت

می‌دهد. او که مدتی عقاید خود را در برنامه‌های صدا و سیما ابراز می‌کرد، اکنون در تارنمای خود دیدگاه‌هایش را بیان می‌کند. این دیدگاه‌ها، مورد چالش و نقد نشریات علمی طب جدید قرار گرفته‌است. روازاده که استفاده از خمیردندان پیش از خواب را باعث پوسیدگی دندان می‌داند و...

حسین روازاده در سخنرانی‌های متعدد گفته است: «دو سانتی کردن آلت تناسلی مردان مسلمان ایرانی» توطئه یهودی‌هاست و در مبارزه‌ای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی برای حل مشکل دو سانتی «روغن زالو»ی تولیدی بساط خودش را به بازار عرضه کرد تا بازار داروئی «صهیونیستی و امپریالیستی» را کساد کند

به گفته این طبیب طب قرآنی- اسلامی واکسن‌هایی که «انگلیسی‌ها و یهودی‌ها» به منظور کاهش اندازه آلت تناسلی مردان مسلمان به کار برده‌اند، عامل کوچک شدن آلت تناسلی مردان مسلمان تا حد نابودی و از بین رفتن آن است.

دکتر روازاده سخنانش درباب اندازه آلت تناسلی را برابر شنوندگانی که اکثراً خواهران محجبه و کودکان‌اند، بیان می‌کند. او گفته است:

«... اینا به مرغ ۱۷ نوع واکسن می‌زنن، هیچ‌کدومم برای مرغ نیس، هدف شمائین و بچه‌هاتونن ... بچه‌هاتون وقتی سن شون رسید به ۱۸ سالگی همشون بدون استثنا آلت تناسلی شون می‌شه دو سانت، می‌شه این‌قدر (و جناب دکتر با دست اندازه را نشان می‌دهد که مبادا کسی در میزان اشتباه کند) ... انگلیس همه عقده هاشو می‌خواد سر ما خالی کنه ... همه شم یهودی‌ها دارن اینکارو می‌کنن، متأسفانه جوان‌های ما همه شون اینقدری هستن، دو سانتی هستن ... هیچ‌کدومم نمی‌تونن زن بگیرن، روشونم نمی‌شه به خانواده شون بگن، مشکل پیدا می‌کنن، نسل بعدی که ۲۰ سالش بشه دیگه هیچی نداره ... زن و مرد یکی می‌شن ... توطئه می‌کنن علیه ما، هی بگیرن مرغ نخوریم چی بخوریم ... برین سرتونو بزنین به دیوار»

گرمی تهیه و تولید شده است «...آقا این واکسن کزاز توش موادی هست که بچه تورو نازا می‌کنه، به زن و شوهری که قبل از ازدواج می‌گن واکسن کزاز بگیرن، آقا مگه چند نفر تو کشوری خون کزاز بگیرن، اگه ده نفر از بیماری کزاز بمیرن بهتره تا اینکه کل کشور نازا بشود ... کتاباشونو که می‌خونین می‌گن ما در سوئد توانستیم به بهانه کزاز سه دهه واکسن کزاز به سوئدی‌ها

بزنییم و نسل شوونو منقرض کنیم... واکسن سه گانه زدین جوونای امروز مارو دیدین چه بدبختی دارن با مردونگی شون... الان هم واکسن پنجگانه می زنن به این بچه ها... وقتی اینا ۱۵ سال یا ۱۷ سال شون بشه، این بچه، آقایون آلت تناسلی جوان ۲۰ ساله ما یک بند انگشت خواهد شد، به فریاد جوونا برسین، برین ببینین نوزاد تازه تولد شده یهودی ها آلت تناسلی شون ۸ سانته...»



مزار مجید کاظمی، قبل و بعد از به آتش کشیده شدن

موخره

در نخستین سالگرد جان باختن مهسا، فضای جامعه ایران به شدت امنیتی شده است و این مسئله نشان می‌دهد که شکاف بین حاکمیت و بخش آگاهان و انقلابی جامعه و در پیشاپیش همه زنان و جوانان، عمیق‌تر از گذشته شده است. شکافی که تنها سرنگونی جمهوری اسلامی می‌تواند آن را پر کند و جامعه ایران وارد یک دوران نوینی از زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش شود.

جمهوری اسلامی در ماه‌های گذشته همه وحشی‌گری‌های خود را به کار بسته بود تا از خیزش مجدد جنبش انقلاب «زن، زندگی، آزادی»، جلوگیری نمایند. در هیم اواخر ده‌ها تن را اعدام و صدها تن دیگر را دستگیر و زندانی کرده است و سانسور و خفقان شدید بر جامعه اعمال کرده است اما با این وجود، در نخست سالگرد جان‌باختن مهسا (ژینا) امینی در شهرهای مختلف ایران تجمعات اعتراضی بر علیه جمهوری اسلامی برگزار شده و اخبار و گزارشات ضد و نقیضی منتشر شده است.

پس از به آتش کشیده شدن مزار مجید کاظمی، معترض اعدام شده در اصفهان، در صبح پنج‌شنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۲، پسرخاله او با انتشار توییتی گفت که این کار «ماموران» حکومت بوده است.

محمد هاشمی، پسرخاله مجید کاظمی، روز پنج‌شنبه ۱۸ خرداد اعلام کرد که آتش‌زدن مزار پس از آن رخ داد که شب قبل مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در تماسی با خانواده مجید کاظمی، به آن‌ها گفتند که حق ندارند در سالروز تولدش به مزار او بروند.

مجید کاظمی یکی از سه معترض اعدام شده در ارتباط با پرونده «خانه اصفهان» است. پسرخاله او در ادامه خطاب به مقامات جمهوری اسلامی نوشت: «این آتش، گریبانگیر عبای خودشان خواهد شد و برای ما ملت ایران، آن‌چه باقی می‌ماند نوری است که از مزار قهرمانانمان می‌تابد.»

هاشمی تاکید کرد که از دل این آتش «هزاران مجید»، «آواز خوان و «مرگ بر جمهوری اسلامی» گویان، به سان ققنوس، متولد خواهند شد.» او اضافه کرد: «جنایت را به بی‌نهایت برسانید، آتش بزنید، مزار عزیزانمان را بسوزانید، نور راهمان، مشعل پیروزی‌مان خواهد شد.»

تخریب مزار کشته‌شدگان اعتراضات و معترضان اعدام شده پیش از این نیز سابقه داشته؛ از جمله نیروهای حکومتی تاکنون دو بار شیشه‌های مزار مهسا امینی را شکسته‌اند و سنگ قبر محسن شکاری را نیز دو بار در یک هفته تخریب کرده‌اند.

علاوه بر این، مقامات جمهوری اسلامی پیکر برخی زندانیان اعدام‌شده را به خانواده‌ها و نزدیکان آن‌ها تحویل نمی‌دهند.

اکثر مواردی که در بالا ذکر شد مربوط به چند ماه گذشته است؛ اما دروغ و دروغ‌گویی در جمهوری اسلامی از زمانی آغاز شد که از «عکس امام در ماه» سخن به میان آمد.

این دروغ‌سرایی و بنا نهادن حکومت بر دروغ تا امروز پیش آمده و منحصر به فرد و جناح خاص یا مواردی معین نیست. کم‌وبیش هر مقام، با هر جناح سیاسی، در هر زمان، در مورد هر موضوعی دروغ می‌گوید و رهگیری دروغ‌ها به هر نهاد و مسئولی می‌رسد.

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، گفته است: هرکس ادعا کند به دلیل انتقاد به حکومت تحت فشار قرار گرفته دروغ می‌گوید. می‌توان از جرم‌انگاری همین دروغ او آغاز کرد.

دروغ‌هایی که در تمامی مثال‌های بالا ذکر شد از نوع برخی دروغ‌ها که گاه در عرصه سیاسی کشورهای مختلف گفته می‌شود نیست؛ ممکن است حکومتی مدعی شود برای حفظ اسرار نظامی-امنیتی خود گاهی ناچار است حقیقت را پنهان کند. اما در مثال‌های بالا به این نوع دروغ‌های جمهوری اسلامی اشاره‌ای نشد.

ضمناً اینکه جامعه ایران چگونه به دروغ نگاه می‌کند و دروغ چقدر در بین مردم رایج یا غیررایج است نیز موضوع این یادداشت نیست. مردم یک کشور، فارغ از این که به دروغ‌گویی گرایش بیشتری داشته باشند یا به راست‌گویی، سنجش نسبت‌شان با حقیقت اساساً متفاوت از دروغ‌گویی مقام‌های حکومتی است.

مهم‌ترین و نخستین دلیل این است که دروغ گفتن در سپهر سیاسی ایران عمدتاً جرم نیست و نهایتاً رذالتی اخلاقی است که ممکن است جناح رقیب

از آن بهره‌برداری کند. این مهم‌ترین تفاوت دروغ‌گویی در بین سیاست‌مداران ایران و دیگر کشورهاست؛ بر ملا شدن دروغ یک مسؤل در کشورهای مختلف دنیا معمولاً پیامدی جدی به دنبال می‌آورد و گاه حتی به سقوط مجموعه دولت می‌انجامد.

به هر روی تا زمانی که دروغ و دروغ‌گویی صرفاً مذمتی اخلاقی دارد و در رفتار حقوقی با آن به عنوان جرم برخورد نشود، دروغ و تقلب سکه رایج است و ادبیات سیاسی به مواردی از قبیل دروغ ۶۳ درصدی پیوند می‌خورد.

مقامات جمهوری اسلامی ایران، نقش‌های متفاوتی بر عهده دارند. آن‌ها فرمان شکنجه و اعدام می‌دهند، اما خود را معصوم‌تر از هر کش نشان می‌دهند. دستور قتل و ترور می‌دهند، اما امام جماعت هم هستند. اموال عمومی را غارت می‌کنند، اما در نقش معلم اخلاق در تلویزیون هم ظاهر می‌شوند. همه وقایع منفی و معضلات و کمبودهای کشور را به دشمنان خارجی نسبت می‌دهند. تنها با دروغ می‌توانند این نقش‌ها را با هم جمع کنند. مقامات جمهوری اسلامی ایران، با وجود این همه وحشی‌گر و جنایات و فسادها و تقلبات خود، خواهان محبوبیت و احترام در جامعه نیز هستند. آن‌ها

بعد از چهل و چهار سال جنایت و فساد، هنوز خود را حق می‌پندارند و برای این حق‌پنداری، طلب احترام دارند. بدون دروغ، این احترام از سوی برخی اقشار ممکن نمی‌شود.

در این جاست که باید دروغ بگویند و ادعا کنند که همه زنان ایرانی «غیر از گروهی فریب‌خورده و فاسد»، به حجاب باور دارند، یا حجاب، سنت جامعه ایران است. یا وقتی زنان را از رفتن به ورزشگاه‌ها برای تماشای مسابقات منع می‌کنند، مدعی می‌شوند که خود زنان تمایل ندارند به مسابقات بروند.

مسئله مهم در این‌جا، این است که چرا مقامات جمهوری اسلامی ایران تا این حد آگاهانه، اطلاعات نادرست در اختیار عموم می‌گذارند. مقامات جمهوری اسلامی ایران دلایل گوناگونی برای دروغ‌گویی دارند. مهم‌ترین دلایل دروغ‌گویی مسئولان ریز و درشت سیاسی، نظامی، قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی، گرفتن پست و مقام بالاتر در حکومت است. مقامات پایین‌تر دروغ می‌گویند تا از مقامات بالاتر پاداش بگیرند. کسب قدرت بیش‌تر، یکی از این پاداش‌هاست. هم‌چنین، مقامات پایین‌تر بدون

دروغگویی نمی‌توانند مقام خود را حفظ کنند و از امکانات بی‌حساب و کتاب آن برخوردار شوند.

مقامات پایین‌تر آگاهند که دستگاه‌های امنیتی آن‌ها را تحت نظر دارند و اگر حقیقت را بگویند، تنبیه می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران، با تیم‌های تروری که دارد و با پرونده‌سازی مدام برای همگان، این ترس را در میان مدیران ایجاد کرده است که در صورت تخلف از روال‌های جاری، مجازات می‌شوند. یک روال جاری، کتمان حقایق یا بیان برخی از حقایق و وارونه کردن حقایق است.

مقامات بالاتر دروغ بزرگ می‌گویند تا برتری خود حفظ کنند. دروغ برای فریب مردم است. دروغگویی در نظامی که اساسش بر فریب گذاشته شده است (آب و برق و خانه مجانی برای همگان) به خودفریبی دیگران کمک می‌کند. نخست خمینی و سپس علی خامنه‌ای، رسماً مهندسی اجتماعی و فرهنگی را تبلیغ کردند و این فریب جامعه را برای بقای حاکمیت‌شان مفید و موثر و کاری می‌دانند.

